همشهری محله
مناطق ۵۰ ۹ ۲۱ ۲۲
پهنه غربی شهر تهران
دوشنبه
۱۱ مرداد ۱۴۰۰
سال هفدهم/ شماره ۸۱۳
۱۶صفحه

طرح سراسری «مددکار شهر» در محله‌های شهر تهران در حال اجرا است

ایستاده در خط مقدم کاهش آسیب‌ها

روزکاری مشخصی ندارد. حتی جمعه‌ها و روزهای تعطیل هم مشغول کار است. هر ساعتی از شبانه‌روز، تلفن همراهش زنگ می‌خورد و او نیز به گرمی پاسخگو است...

صفحه ۱۲

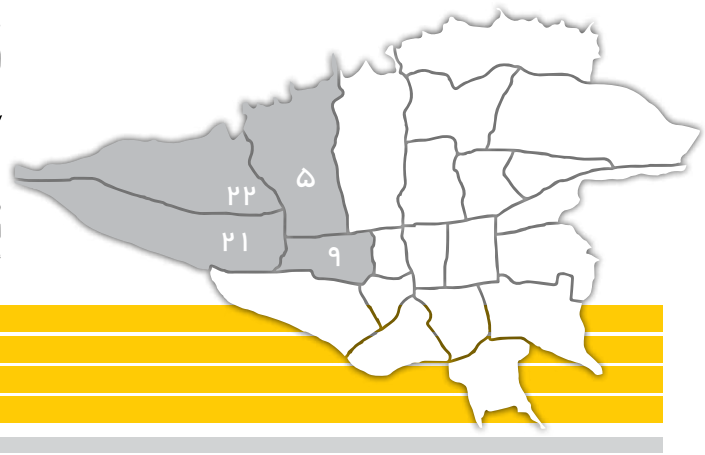

از سردیس مفاخر ایرانی در گذر فرهنگی «تاراز» با حضور مسئولان و مردم رونمایی شد

نامداران بختیاری به دریاچه چیتگر آمدند

صفحه ۸

عکس: علیرضا طهماسبی

کارشناس و پژوهشگر هم‌محله‌ای از احیای عروسک‌های ۱۲۰ سال پیش می‌گوید

لعبتکان قاجاری

از کودکی علاقه ویژه‌ای به عروسک و پارچه‌های رنگارنگ داشت. اما تصورش را نمی‌کرد که یک روز همه اشتیاقش به کسب و کار و هنر، عروسک‌های بومی و سنتی باشند. تصور اینکه در سن ۳۱ سالگی به‌عنوان کارشناس و پژوهشگر حوزه عروسک‌های بومی و محلی، هم عروسک‌های هویتی تولید کند و هم بسیاری از آنها را که در گذر زمان به فراموشی و خاطره‌های محو پیوسته‌اند احیا کند، برایش دور بود.

صفحه ۵

نخستین پلاک محیط‌زیست منطقه بر سردر خانه‌ای در شهرک چشمه نصب شد

خانه پلاک ۳ دوستدار کاپ

افراد بسیاری را می‌توان یافت که به تفکیک زباله اهمیتی نمی‌دهند و چه بسا زباله‌های تر و خشک خود را بی‌آن که بخواهند جدا کنند دور می‌ریزند. روزانه بیش از ۱۰۰ تن زباله در منطقه ۲۲ تولید می‌شود...

صفحه ۱۰

با تبلیغات در همشهری محله درست به هدف بزنید
۱۸۱۹
جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید
شرح در صفحه ۳

یادداشت

احمد مسجدجامعی
عضو شورای اسلامی شهر

منطقه گل‌های سرخ

آنچه پیش رو دارید مجموعه‌ای از یادداشت‌های احمد مسجدجامعی عضو شورای‌شهر تهران است و حاصل تهران‌گردی‌های او و گروهی از همراهان او. قصد او در تهران‌گردی‌ها و در نوشتن این مجموعه نگاه از نزدیک به نحوه زیست تهرانی‌ها و مسائل شهری‌ریز و درشتی است که مردم هر منطقه با آن درگیر هستند. مسائلی که از یک منطقه به منطقه دیگر تفاوت دارد و احتمالا کلی و عمومی نیست. این مجموعه که در مورد تمام مناطق تهران نگاشته شده، هم برای خوانندگان که مشکلات و ارزش‌ها و ظرفیت‌های منطقه خود را در آن می‌بینند و هم برای مدیران شهری که مسئول حل و فصل مشکلات مردم و برنامه‌ریزی برای توسعه شهر هستند خواندنی است.

منطقه ۲۱ تهران چند سال پیش جزء منطقه ۹ شهرداری به‌شمار می‌آمد. با گسترش شهر تهران و تشکیل مناطق جدید، بخش غربی منطقه ۹ به منطقه ۲۱ واگذارشد. بیشتر محله‌های منطقه ۲۱ تهران، مانند تهرانسر، وردآورد و چیتگر، روستاهایی دربالادست جاده قزوین بودند. این جاده مسیرارتباطی پایتخت باستان‌های آذربایجان و زنجان و قزوین بود و تا دروازه قزوین حصار ناصری(میدان قزوین امروزی) ادامه داشت. این جاده که امروزه مرز جنوبی منطقه ۲۱ را تشکیل می‌دهد، به بزرگراه فتح یا جاده قدیم کرج معروف است. قلعه وردآورد از بناهای مهم این منطقه است. این قلعه از چهاردیوار خشتی بلند شکل گرفته بود که دربین آنها چند برج دیده‌بانی هم قرارداشت. قلعه در چوبی بزرگی داشت ودرون آن از چند کوچه تشکیل شده بود و در هر کوچه ۴، ۵ خانواده زندگی می‌کردند. آب قلعه از دوقنات تأمین می‌شد. میان حیاط قلعه هم سه حوض قرارداشت که آب قنات‌ها در آن جریان می‌یافت. علاوه‌براین، قلعه دارای یک آب‌انبار و حمام و مسجدی بسیار قدیمی، به نام المهدی(عج)، بود. بعد از تخریب قلعه و تعریض خیابان وردآورد، بخشی از این مسجد از میان رفت، اما امروزه این مسجد در دست بازسازی است. محل قلعه در محدوده چهارراه انقلاب و ضلع شمال غربی آن بود. خیابان وردآورد تنها مسیری بود که از جاده قزوین جدا می‌شد و به قلعه می‌رسید. در دهه ۳۰، شاهرخ و ایرج فیروز مدرسه‌ای برای بچه‌های روستا در بیرون از قلعه ساختند. این مدرسه بعدها نرجس خاتون نام گرفت. منطقه ۲۱ با شکل‌گیری تدریجی صنایع در اطراف جاده قدیم تهران کرج و بزرگراه لشکری ایجاد شد. این منطقه در دهه ۶۰ واجد شهرک‌های متعددی شد و اینک ترکیبی از سکونت، کار و کاربری‌های نظامی را در خود جای داده است. و در طرح تفصیلی منطقه ۲۱ گسترش تاریخی صنایع بزرگ در تهران در این منطقه بررسی شده است. در این بررسی کاربری‌های صنعتی در جوار بزرگراه فتح نشان داده شده‌اند. بر این اساس دو مجموعه صنعتی در دوره ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شکل گرفته است. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱ به تدریج برخی صنایع بزرگ حول دو بزرگراه فتح و لشکری شکل گرفتند. پس از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ بسیاری از صنایع در این محدوده مستقر شدند (طرح تفصیلی منطقه ۲۱، ۱۳۸۴).

ادامه را در صفحه ۱۱بخوانید

تیتر یک

آب تصفیه‌خانه ششم به ساکنان غرب تهران رسید

مرحله سوم انتقال آب از تصفیه‌خانه «ششم» به ۷۰درصد ساکنان غرب تهران از طریق لوله‌گذاری در رودخانه «وردآورد» به پایان رسید.

مجری طرح‌های آبرسانی مناطق ۲۱ و ۲۲ گفت: «با توجه به روند ساخت‌وسازها در مناطق غرب تهران به‌ویژه مناطق ۲۱ و۲۲ و کمبود آب در این محدوده‌ها، نیاز به اجرای طرح‌های جدیدی بود. برای همین تصفیه‌خانه ششم به بهره‌برداری رسید. اما انتقال آب از تصفیه‌خانه هم نیاز به جانمایی خطوط جدید داشت که این کار در ۳ مرحله پیش‌بینی و اجرایی شد.»

«محمدرضاسالاری» با اشاره به اینکه این طرح به طول ۷ و نیم کیلومتر به شیوه‌ای طراحی شده که آب شرب به‌صورت ثقلی به مخازن زمینی مناطق ۲۱ و ۲۲ منتقل و وارد شبکه توزیع شود تا ۷۰درصد ساکنان غرب تهران به‌ویژه منطقه ۲۲ از این آب بهره‌مند شوند، او افزود: «عملیات اجرایی فاز سوم، سال گذشته با لوله‌های فولادی به قطر ۸۰۰ میلیمتر و به طول هزار و ۱۰۰متر از مخزن «شهید فلاحی» در رفیوژ میانی بزرگراه «شهید خرازی» تا مخزن «شهید حسینی» در حاشیه بزرگراه شهید خرازی آغاز شد. اما در روند اجرا با مشکلاتی مواجه بودیم چون باید در رودخانه وردآورد لوله‌گذاری انجام می‌شد. این عملیات در عمق ۱۲ متری به طول ۴۳متر انجام و اکنون به پایان رسیده است تا آب تصفیه‌خانه ششم به محدوده غرب تهران برسد.»

آسوده در بوستان تربیت قدم بزنید

مسیرهای «تندرستی» در راستای پروژه «توسعه محله‌ای و پیاده‌روی آسان شهروندان» در منطقه۵ ایجاد می‌شود. شهردار منطقه ۵ گفت: «مسیرهای تندرستی با هدف ارتقای سلامت عمومی شهروندان و ایجاد محدوده‌ای مناسب برای پیاده‌روی ساکنان محله ساخته می‌شود که سال گذشته عملیات ساخت این مسیر در شهرک «اکباتان» به پایان رسید و امسال نیز این مسیر به طول ۲۵۰متر در پارک «تربیت» احداث می‌شود.»

«مهدی رحمانی» افزود: «ایجاد مسیرهای تندرستی در راستای پروژه‌های توسعه محلی و به درخواست شهروندان اجرا می‌شود و در پارک تربیت خیابان بهنام نیز با جدول‌گذاری و احیای آسفالت با حجم ۶۰ تن عملیاتی شده است.»

تشکیل کمپین مردمی برای عبور خط مترو از تهرانسر

کمپین درخواست از مسئولان برای عبور خط ۴ مترو تهران از «تهرانسر» ایجاد شد.

به گزارش خبرنگار همشهری محله، جمعی از ساکنان تهرانسر گردهم آمدند و با راه‌اندازی کمپینی، از مسئولان دوره جدید شورای شهر، شهرداری و مجلس شورای اسلامی درخواست کردند با توجه به افزایش ساکنان تهرانسر، به‌ویژه با ساخت مسکن‌های ویژه و براساس وعده‌های داده شده در بازدیدهای مختلف، احداث ایستگاه مترو در این محدوده را مورد توجه قرار دهند و یا با تکمیل سریع‌تر خطوط ۴ زمینه‌ای را فراهم کنند تا شهروندان تهرانسر بتوانند از ایستگاه‌های «بیمه» و فرودگاه «مهرآباد» برای تردد استفاده کنند. برای عضویت در این کمپین، شهروندان تهرانسر به سایت karzar. net/tehransar مراجعه و نامه‌ای را امضا می‌کنند. تاکنون بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ نفر از شهروندان این نامه را امضا کرده‌اند.

آنلاین روان‌شناسی ترافیک آموزش ببینید

دوره‌های آنلاین «روان‌شناسی ترافیک و موتورسواری خوب» تا پایان شهریورماه در منطقه ۹ برگزار می‌شود.

رئیس اداره آموزش‌های شهروندی منطقه۹ گفت: «مرحله دوم کمپین موتورسوار خوب با هدف فرهنگسازی و ترویج رفتارهای مناسب هنگام موتورسیکلت‌سواری در منطقه با مشارکت پارک «آموزش ترافیک» در حال برگزاری است و در آن شهروندان به‌ویژه راکبان موتورسیکلت به شکل آنلاین با مواردی مانند روان‌شناسی ترافیک و موتورسیکلت‌سواری آشنا می‌شوند.» «ادیبه کریمی» با اشاره به اینکه این کمپین تا پایان شهریور ماه ادامه دارد، افزود: «۳۶درصد متوفیان، از حوادث رانندگی و ۵۸درصد صدومان مربوط به موتورسیکلت‌سواران هستند. به همین دلیل این کلاس‌ها پیش‌بینی شد و در هر دوره بیش از ۴۰ نفر شرکت‌کننده حضور دارند.»

چهره

نقاش هم‌محله‌ای:

سر ها ظرفیت‌های فرهنگی محله‌اند

«ستاره نظری»، نقاش و آرتیست بین‌المللی، از ساکنان محله «سازمان آب» منطقه ۵ است. او که سابقه ۲۰ سال آموزش نقاشی به کودک ۳ تا فرد ۷۰ ساله و حتی افراد دارای معلولیت را در کارنامه‌اش دارد، این روزها فعالیتش را در سرای محله سازمان آب برای آموزش به رده‌های مختلف سنی آغاز کرده است. نظری می‌گوید: «از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و این رشته را در هنرستان و دانشگاه ادامه دادم. البته همزمان با تحصیل از ۱۵ سالگی نقاشی را به‌عنوان مربی به دیگران آموزش دادم.»

از جمله فعالیت‌های نظری، حضور در ۳۰ نمایشگاه داخلی و خارجی، دریافت کارت مربیگری از دانشگاه «گرجستان» و مربیگری آنلاین از آکادمی «آکسفورد» انگلستان است. او می‌گوید: «وجود مراکز فرهنگی مانندسراها در محله‌ها سبب می‌شود، شهروندان با اطمینان بیشتری از برنامه‌های آموزشی بهره‌مند این مراکز شوند، چراکه‌سراهای محله ظرفیت‌های فرهنگی محله هستند.» او اظهار امیدواری می‌کند که با وجود «کرونا»، همچنان کلاس‌ها البته به شکل آنلاین برپا است و خوشحالم که این ویروس هم نتوانست این رشته هنری را زمینگیر کند.»

۳۰ ثانیه روپایی بزنید، جایزه بگیرید

مسابقه چالشی «روپایی» ویژه دختران کمتر از ۹ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار همشهری محله، اداره ورزش شهرداری منطقه۲۱، با توجه به تعطیلی باشگاه‌ها و ایستگاه‌های ورزش شهروندی در بوستان‌ها اقدام به برگزاری مسابقات مجازی روپایی در ایام «کرونا» و قرنطینگی خانگی کرده است. این مسابقه‌ها ویژه دختران کمتر از ۹ سال و پسران کمتر از ۱۵ سال است و به بیشترین تعداد ضربه در ۳۰ ثانیه، جوایزی اهدا می‌شود. علاقه‌مندان به شرکت در این دوره از مسابقه می‌توانند کلیپ‌های خود را به شماره واتساپ ۰۹۱۲۶۰۷۶۴۵۱ارسال کنند.

میز خبر

بنرهای مستعمل، کیسه خرید می‌شوند

«کیسه‌های خرید بازیافتی» در میادین میوه و تره‌بار و مکان‌های پر تردد بین شهروندان توزیع می‌شود.

معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۹ گفت: «با هدف کاهش مصرف پلاستیک و حمایت از محیط‌زیست، چندی پیش با همکاری یکی از نهادهای مردمی، دوخت کیسه‌های خرید با بنرهای مستعمل آغاز شد و اکنون این کیسه‌ها، بین شهروندان به شکل رایگان توزیع می‌شود.»

«مصطفی دینی» با اشاره به اینکه تاکنون کیسه‌های خرید بازیافتی در میدان‌تره بار «آزادی» توزیع شده است، افزود: «برای استمرار طرح «نه به پلاستیک»، کیسه‌های خرید بازیافتی در سایر میدان‌های میوه و تره‌بار و اماکن پر تردد منطقه نیز توزیع خواهد شد.»

نصب تابلو جدید ۱۷ معبر

نصب تابلوهای معابر تازه نامگذاری شده در مناطق غرب تهران آغاز شد. به گزارش همشهری محله، هم‌زمان با تصویب تغییر نام برخی از معابر و خیابان‌های محدوده غرب تهران، عملیات نصب تابلوها در این معابر آغاز شد. در این تغییرات، کوچه‌های یکم در منطقه ۵ و نهم در منطقه۲۱، به نام شهیدان «سید علی‌اصغر معیری» و «شامل باقری» البته با حفظ شماره، نامگذاری شده است. هم‌چنین در منطقه ۲۱، کوچه «تیر یکم»، به نام «شهید حسن رزاقی» و خیابان «دویست دستگاه» به نام «شهید حمیدرضا ملاحسینی» تغییر یافته است. در منطقه ۲۲ هم کوچه‌های «نور یکم»، «دوم»، «سوم»، «چهارم» و «پنجم» با حفظ شماره به‌ترتیب به نام‌های تالاب‌های «هورالعظیم»، «شادگان»، «میانکاله»، «انزلی» و «گمیشان» و کوچه‌های «قائم ششم»، «هفتم»، «هشتم»، «نهم»، «دهم»، «یازدهم»، «دوازدهم» و «سیزدهم» با حفظ شماره به‌ترتیب به نام تالاب‌های «کانی»، «زیوار»، «چغاخور»، «بندعلی خان»، «پریشان»، «بختگان»، «میغان» و «جازموریان» نامگذاری شده است که به گفته «حسین صادقی»، معاون خدمات شهری و فضای سبز شهردار منطقه۲۲، به‌زودی تابلوهای این معابر نصب می‌شوند.

۲۰

کافه ون و بایک استاپ برای فعالیت در منطقه ۹ مجوز فعالیت گرفتند. این مجوزها از سوی شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران صادر شدند و شامل ۵ کافه ون و ۱۵ دستگاه بایک استاپ می‌شوند. شهروندان برای فعالیت و اطلاع از شرایط می‌توانند به اداره ساماندهی منطقه ۹ مراجعه کنند.

۱۰۰

مترمکعب بتن برای اجرای عملیات ساخت تقاطع غیرهمسطح فتح – باغستان در محدوده منطقه۲۱ استفاده شد. این عملیات در عرشه بتنی ضلع جنوبی تقاطع، اجرایی و هم‌زمان ۱۳ تن آرماتوربندی نیز انجام شد تا پروژه در زمان کمتری آماده شود و زودتر به بهره‌برداری برسد.

دیگه چه خبر؟

خدمات رایگان مشاوره و پزشکی در ارغوان

خدمات رایگان مشاوره و پزشکی در بوستان «ارغوان» به شهروندان ارائه می‌شود.

به گزارش خبرنگار همشهری محله، سرای محله «تهرانسر شرقی»(پاسداران)، خدمات مشاوره و پزشکی را برای شهروندان در نظر گرفته است. این خدمات شامل ویزیت رایگان از سوی دکتر «شاهین‌پور مهران»، متخصص پوست، مو و زیبایی و مشاوره‌های خانوادگی و مشاوره پزشکی می‌شود. علاقه‌مندان برای بهره‌مندی از این خدمات به سرای محله پاسداران در تهرانسر شرقی، خیابان بنفشه، روبه‌روی بوستان ارغوان مراجعه کنند و یا به شماره ۰۹۳۷۶۲۴۹۵۷۹ با ذکر نام و مشخصات برای گرفتن وقت پیامک بدهند.

آموزش رباتیک در سرای محله کوهک

کلاس آموزش «رباتیک» ویژه کودکان ۴ تا ۱۴ سال در سرای محله «کوهک» برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار همشهری محله، سرای محله کوهک با هدف ارتقای آگاهی کودکان و استعدادهای آنها اقدام به برگزاری ۸ جلسه کارگاه آموزشی رباتیک کرده است. این کارگاه در ۲ بخش ویژه کودکان ۴ تا ۶ و ۷ تا ۱۴ سال برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۴۴۷۶۲۳۳۵ تماس بگیرند.

تلفن دفاتر قبول آگهی

تلفن دفاتر قبول آگهی

دفتر مرکزی پذیرش ۸۸۳۱۱۹۱۹

niazmandiha.official

www.Rahnama.com

شرق	
افسریه	۳۳۸۰۸۰۶۹
بلوار پروین	۷۷۲۹۸۴۵۱
پیروزی	۳۳۷۹۳۰۲۳
تهرانپارس	۷۷۸۸۸۷۷۷
تهران نو	۷۷۹۰۲۶۴۶
حکیمیه	۷۷۳۰۷۸۳۰
خاوران	۳۳۸۳۹۲۰۲
سه راه افسریه	۳۳۸۰۸۸۸۴
رسالت	۲۲۵۳۲۴۴۷
فرجام	۷۷۲۰۷۹۳۹
قنات کوثر	۷۷۳۷۱۷۰۰
مجیدیه	۲۲۵۰۱۸۷۹
میدان امام حسین	۷۷۵۰۰۵۸۳
نارمک	۷۷۹۴۴۴۲۷
نبرد	۳۳۶۹۶۰۶۰
نظام آباد	۷۷۸۴۴۰۱۴
نیروی هوایی	۷۷۹۸۰۹۷۰

جنوب	
امیریه	۵۵۳۷۵۰۴۱
خراسان	۳۳۵۲۲۱۸۶
خزانه بخارایی	۵۵۰۵۵۰۱۰
دولت آباد	۳۳۷۶۷۵۱۶
سه راه آذری	۵۵۷۳۳۴۳۵
شوش	۵۵۰۵۰۴۲۴
شهرری	۵۵۹۵۱۲۶۹
عبدل آباد	۵۵۸۶۳۲۶۲
کارگر جنوبی	۵۵۶۵۱۰۲۴
مولوی	۵۵۸۱۷۴۰۸
مهرآباد	۶۶۲۸۷۶۱۹
نازی آباد	۵۵۰۷۹۴۰۰
وحدت اسلامی	۵۵۸۱۵۵۰۲
یافت آباد	۶۶۶۲۱۹۰۱
بهشت زهرا	۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹

شمال			
آرژانتین	۸۸۷۵۳۴۰۱	پارک وی	۲۲۰۲۰۴۵۰
آفریقا	۲۲۰۳۴۴۴۱	پاسداران	۲۲۸۵۱۱۰۰
اقدسیه	۲۲۲۹۸۲۶۱	تجریش	۲۲۲۱۸۸۱۲
اندرزگو	۲۲۲۰۹۵۷۱	دولت	۲۲۶۱۴۲۴۳
پارک ملت	۲۲۰۴۷۹۳۱	شریعتی شمال	۲۲۸۵۲۶۰۰

مرکز			
امین حضور	۳۳۵۰۳۵۲۵	سهروردی	۸۸۷۴۳۹۹۰
انقلاب	۶۶۴۹۷۲۸۰	سهروردی شمالی	۸۸۷۵۶۶۶۱
بازار	۵۵۶۰۴۹۵۵	سید خندان	۲۲۸۴۸۱۹۱
بهارستان	۳۳۱۱۶۶۵۶	شریعتی	۸۸۴۳۵۷۶۹
جمهوری	۶۶۴۰۱۴۷۹	شهید بهشتی	۸۸۷۵۵۳۳۰
حافظ	۶۶۷۰۱۸۱۷	شهید مطهری	۸۸۹۰۳۵۵۶
سعدی	۳۳۹۳۷۳۹۹	طالقانی	۸۸۸۰۲۵۶۴
سمیه	۸۸۳۲۳۳۷۸		

غرب	
آزادی	۶۶۸۶۷۹۶۴
آیت ا... کاشانی	۴۴۰۷۴۰۳۳
بلوار فردوس	۴۴۰۵۱۳۱۷
پونک	۴۴۴۳۵۷۲۷
توحید	۶۶۹۴۰۵۳۸
تهرانسر	۴۴۵۶۱۳۳۳
دهکده المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۳
جلال آل احمد	۸۸۲۶۵۵۵۳
جنت آباد	۴۴۴۷۲۷۱۲
ستارخان	۴۴۲۱۶۶۸۹
سعادت آباد	۸۸۶۹۶۰۱۰
شهران	۴۴۳۳۵۹۶۶
شهرک اکباتان	۴۴۶۶۵۹۴۹
شهرک غرب	۸۸۳۷۲۹۷۱
صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۵
فرحزاد	۲۲۰۶۱۸۷۷
فلکه اول شهران	۴۴۳۳۵۹۶۵
فلکه دوم صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۶
میدان المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۰
نواب	۶۶۴۳۰۹۰۳
هاشمی	۶۶۳۷۹۱۵۱

دفاتر بازاریابی نیازمندیها	
اشرفی اصفهانی	۴۴۰۰۶۵۶۹
اندیشه	۸۸۵۰۵۰۱۱
جهان آرا	۸۸۰۵۷۳۶۰
چهارراه قصر	۸۸۱۷۷۵۳۶
چهارراه ولیعصر	۶۶۴۰۰۸۸۳
سهروردی جنوبی	۸۸۹۳۳۷۰۰
کریمخان	۸۸۸۰۶۱۴۲
مرزداران	۴۴۲۷۶۰۹۱
معلم	۸۸۴۵۰۸۰۵

قلهک	۲۲۸۴۷۳۲۶	لویزان	۲۲۹۸۴۳۸۸
ملاصدرا	۸۸۰۳۲۷۷۱	میرداماد	۲۶۴۰۴۲۲۹
ونک	۸۸۷۷۹۹۴۱		

فاطمی	۶۶۴۳۴۹۵۹	فردوسی (۱)	۶۶۷۱۱۷۱۷
فردوسی (۲)	۶۶۷۱۳۴۸۴	لاله زار نو	۶۶۷۰۱۴۱۵
میدان سپاه	۷۷۵۲۶۰۴۴	میدان ولیعصر	۸۸۹۶۳۳۸۵
هفت تیر	۸۸۸۴۴۰۶۵	یوسف آباد	۸۸۰۶۳۷۵۴

حومه تهران			
اسلامشهر	۵۶۱۴۹۴۰۰	شهر پرند	۵۶۷۹۱۴۷۳
جاده‌خصوص‌کرج	۴۴۱۹۵۰۰۰	شهر پردیس	۷۶۳۴۵۶۰۴
دماوند	۷۶۳۴۰۳۴۴	شهرقدس	۴۶۸۵۷۱۲۳
رباط کریم	۵۶۴۳۸۴۴۴	شهریار	۶۵۲۶۶۳۷۶

کرج	۰۲۶۳۲۲۳۴۰۴۳	کلشهر	۰۲۶۳۴۹۸۷۵۰۰
لواسانات	۲۶۵۵۱۴۹۰	ورامین	۳۶۲۷۸۵۴۵

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹ شبانه روزی

روزانه ۴۰۰ نفر در دومین مرکز واکسیناسیون خودرویی غرب تهران واکسن می‌زنند

پشت فرمان واکسن بزن

مهدی اسماعیل‌پور

مرکز «واکسیناسیون خودرویی» در محله «وردآورد» راه‌اندازی شده است. این دومین مرکز تزریق واکسن خودرویی غرب تهران است که در حاشیه آزادراه تهران – کرج (شهید فهمیده) فعالیت می‌کند. با راه‌اندازی این مرکز اهالی محله وردآورد و محله‌های اطراف دسترسی آسان‌تر و سریع‌تری به مراکز واکسیناسیون پیدا کرده‌اند. در ادامه بیشتر با این مرکز و خدماتی که ارائه می‌دهد، آشنا می‌شویم.

واکسیناسیون از صبح تا عصر

«عباس محمودی»، مسئول کمپ واکسیناسیون وردآورد، درباره ساعت فعالیت این مرکز به همشهری محله می‌گوید: «ازساعت ۷ صبح در این مرکز مستقر می‌شویم و پس از آماده‌سازی وسایل و امکانات از ساعت ۸ عملیات واکسیناسیون را آغاز می‌کنیم و تا ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه پذیرش داریم. ساعت ۱۸ دوباره همه وسایل و لوازم را جمع‌آوری می‌کنیم و از این مرکز می‌رویم. در محدوده غرب تهران به جز مرکز ما، تنها یک مرکز خودرویی دیگر وجود دارد که در بوستان «جوانمردان» قرار دارد.»

عباس محمودی
مسئول کمپ واکسیناسیون وردآورد

با خودرو به این مرکز بروید نه پیاده

مسئول کمپ خودرویی وردآورد به شهروندان توصیه می‌کند که بهتر است به‌صورت پیاده و بدون خودرو به این مرکز مراجعه نکنند: «اینجا یک مرکز واکسیناسیون خودرویی است و مراجعه سرپایی و پیاده نداریم. همه با خودرو مراجعه می‌کنند و با خودرو در صف انتظار می‌مانند. در اینجا امکانات لازم برای اسکان و ارائه خدمات سرپایی از جمله میز و صندلی و سایه‌بان برای نشستن و در صف انتظارماندن افراد فاقد وسیله نقلیه وجود ندارد. چون یک کمپ جاده‌ای است. بنابراین مراجعه‌کنندگان در این مرکز باید با خودرو حضور پیدا کنند و اگر پیاده باشند، با توجه به طولانی بودن زمان انتظار دچار مشکل می‌شوند. به‌ویژه صبح هنگام که هم ترافیک وجود دارد و هم تعداد مراجعه‌کنندگان بسیار است.»

واکسیناسیون ۴۰۰ نفر در روز

محمودی می‌گوید در این مرکز روزانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از شهروندان واکسینه می‌شوند: «فعالیت این مرکز از اول مردادماه آغاز شده است. البته اگر تعداد مراجعه‌کنندگان افزایش یابد، باز هم می‌توانیم به مردم خدمات واکسیناسیون ارائه کنیم. چون ظرفیت و امکانات کافی برای این منظور وجود دارد.»مسئول کمپ وردآورد می‌افزاید: «در حال حاضر در این مرکز واکسن «سینوفارم» ساخت کشور «چین» تزریق می‌شود، اما نوع واکسن ثابت نیست و به احتمال زیاد چند روز دیگر که این واکسن‌ها به پایان برسد، واکسن دیگری به مرکز ارسال کنند. گویا قرار است محموله جدید واکسن «آسترازنکا» از «ژاپن» وارد کشور شود و در نوبت بعدی این نوع واکسن را تزریق خواهیم کرد.»

اینجا تنها دوز اول واکسن تزریق می‌شود

مدیر واکسیناسیون خودرویی ورد آورد می‌گوید تنها دوز اول واکسن در این مرکزتزریق می‌شود و شهروندان برای دریافت‌دوز دوم مراجعه نکنند: «تاکنون بازه زمانی برای فعالیت این مرکز مشخص نشده است و ما فعالیت خود را تا هر زمانی که برنامه واکسیناسیون در کشور انجام می‌شود، ادامه خواهیم داد. بنابراین تنها افرادی که گروه سنی‌شان اعلام شده و نوبت اولشان است می‌توانند برای واکسیناسیون به این مرکز مراجعه کنند.»

چند نکته مهم برای واکسیناسیون

پیش از مراجعه به مراکز واکسیناسیون باید چند نکته را بدانید و به آنها توجه داشته باشید تا دچار مشکل نشوید: «افرادی که برای تزریق واکسن به مراکز واکسیناسیون مراجعه می‌کنند باید نکاتی را رعایت کنند. نخست اینکه نباید تب داشته باشند. مراجعه‌کنندگان اگر حساسیت غذایی یا دارویی دارند، باید به مسئولان تزریق بگویند. اگر افراد «کرونا» گرفته‌اند باید یک ماه پس از بهبودی کامل برای تزریق واکسن اقدام کنند. هم‌چنین اگر افرادی دارای بیماری زمینه‌ای یا مزمن مانند سابقه فشارخون یا دیابت هستند باید به مسئولان اطلاع دهند.»

بهتر است پس از دریافت پیامک مراجعه کنید

محمودی می‌گوید در این مرکز به همه شهروندانی که مشمول دریافت واکسن هستند، خدمات ارائه می‌شود. اما بهتر است تنها کسانی که پیامک دریافت واکسن در این مرکز برایشان ارسال شده است، مراجعه کنند: «بیشترمراجعه‌کنندگان ما افرادی هستند که برای تزریق واکسن ثبت‌نام کرده‌اند و پیامک برای آنها ارسال شده است. البته افرادی هم که گروه سنی‌شان اعلام شده است اما هنوز ثبت‌نام نکرده‌اند هم می‌توانند به مراکز واکسیناسیون از جمله این مرکز مراجعه کنند. اما مراحل کار واکسیناسیون آنها مقداری سخت‌تر و زمان‌برتر خواهد بود. افراد مراجعه‌کننده بهتر است پیامک لوکیشن داشته باشند. وقتی ثبت‌نام می‌کنید در ابتدا پیامک ثبت‌نام برایتان ارسال می‌شود. پس از این پیامک، پیامک دیگری برایتان ارسال می‌شود که نشانی مرکز تزریق واکسن را به شما اعلام می‌کند و باید به آن توجه کنید. مسئولان مربوطه هم به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند که شهروندان به نزدیک‌ترین مرکز واکسیناسیون به محل سکونت‌شان مراجعه کنند. در انتها از شهروندان می‌خواهیم که پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند.»

راه‌اندازی مرکز با پیگیری گروه جهادی و شورایاری محله

«علی کیومرثی»، مدیر گروه جهادی «شهدای وردآورد» و از فعالان اجتماعی محله، درباره راه‌اندازی این مرکز می‌گوید: «راه‌اندازی این مرکز تزریق واکسن که در آزادراه تهران – کرج، جنب پمپ بنزین وردآورد افتتاح شده است از طریق مرکز بهداشت غرب تهران پیگیری کردیم و مسئولان اورژانس تهران، جایگاهی را به این موضوع اختصاص دادند و شرایط برای تزریق واکسن فراهم شد. از پیش، در وردآورد مرکزی برای تزریق واکسن وجود داشت، اما هنگامی که واکسن در کشور محدود شد، براساس دستور وزارت بهداشت، برخی مراکز تجمیع شدند، و این مرکز نیز جمع‌آوری شد. با پیگیری‌های گروه جهادی شهدای وردآورد و شورایاری محله و با مراجعه بسیار به مرکز بهداشت غرب تهران، در نهایت این مرکز از سوی اورژانس تهران افتتاح شد.»

علی کیومرثی
مدیر گروه جهادی شهدای وردآورد

به دنبال راه‌اندازی دوباره مرکز واکسیناسیون سرپایی محله

کیومرثی از پیگیری‌ها برای راه‌اندازی دوباره مرکز واکسیناسیون در محله وردآورد خبر می‌دهد: «در تلاش هستیم تا مرکز تزریق واکسن وردآورد دوباره بازگشایی شود. این مرکز ابتدا در گلزار شهدای وردآورد قرار داشت و سپس به مرکز بهداشت محله انتقال یافت و در نهایت به تعطیلی انجامید. درخواست مردم محله این است که این مرکز در وردآورد دوباره راه‌اندازی شود. اگر این مرکز واکسیناسیون بازگشایی شود، اهالی دیگر مجبور نمی‌شوند تا برای واکسن زدن به نقاط دوردست بروند. البته بازگشایی این مرکز به معنای جمع‌آوری مرکز واکسیناسیون خودرویی نیست و خودروهای گذری که از آزادراه گذر می‌کنند و شهروندانی که وسیله نقلیه دارند می‌توانند در آن مرکز واکسن بزنند.»

در سرای محله تست رایگان بدهید

نشانی سرای محله باشگاه نفت:
بلوار اصلی تهرانسر، ضلع شمال میدان کمال‌الملک، جنب بوستان نرگس

نشانی سرای محله شهرک استقلال:
بلوار دکتر عبیدی، داخل بوستان استقلال

نقطه آغاز؛ بازدید از یک موزه

در خانه جمع و جورشان، هر سو که سر می‌چرخانیم، عروسک‌های قد و نیم قد با رنگ و پوشش‌های جذاب می‌بینیم. اتاق کوچکی از این خانه کوچک را به محلی برای پژوهش و ساخت عروسک‌ها اختصاص داده است که از کف تا سقف و در کنج و زاویه‌های مختلف آن، انباشتگی عروسک‌ها خودنمایی می‌کنند. پشت یکی از میزهای طراحی و اجرای الگوی عروسک می‌نشیند و با این جمله‌ها، گفت‌وگو را آغاز می‌کند: «در بین اعضای خانواده و اقوام، کسی نبود که به هنر عروسک‌دوزی مشغول باشد. اما مادرم همواره سرگرم هنرهایی مانند دوخت ودوز و گلدوزی بود. من هم هنرنمایی‌های او را می‌دیدم و بسیار ذوق می‌کردم. دوران نوجوانی و جوانی‌ام را در کنار درس و مدرسه، با انواع دوره‌های آموزشی گلدوزی و خیاطی مقدماتی گذراندم. هیچ‌وقت به‌عنوان یک هنر یا حتی کسب و کار به عروسک‌دوزی فکر نمی‌کردم. اما از دیدن آثار مربوط به آن لذت می‌بردم. به‌ویژه اگر این آثار و عروسک‌ها، دارای هویت و قدمت قابل توجه‌ایی بودند. تا اینکه سال ۱۳۹۷ به دعوت یکی از دوستانم راهی «بروجرد» (زادگاه پدری‌ام) برای بازدید از یک موزه صنایع‌دستی و بوم‌گردی شدم. در بین آن صنایع‌دستی، ۲عروسک بود که قدمت آنها به دوران قاجار باز می‌گشت. همان زمان بود که‌گویی تصمیم خود را برای پرداختن به هنر عروسک‌دوزی گرفتم.»

مطالعه، پژوهش و سفر

الیاف‌های بر روی میز را کمی جابه‌جا می‌کند تا عکس‌های مربوط به همان عروسک‌های دوره قجری را نشانمان دهد: «به‌صورت گسترده و فشرده تحقیقات و مطالعاتم را در حوزه عروسک‌های بومی و محلی آغاز کردم. با روستانشینان بسیاری مصاحبه انجام دادم. با همه آنهایی که از تاریخ عروسک‌های بومی و محلی‌شان خبردار بودند. عکس‌ها و تصاویر قدیمی پیرامون این موضوع جمع‌آوری تا اینکه در نخستین گام عروسکی با ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی مرتبط با قوم «لر» طراحی کردم. این عروسک در جشنواره‌های ملی متعدد، رتبه و جایزه کسب کرد. پس از آن، دوره‌های تخصصی خیاطی، گلدوزی، نمددوزی، چرم‌دوزی و سوزن‌دوزی را گذراندم تا بتوانم در تولید همه بخش‌ها و جزئیات یک عروسک بومی، خودکفا باشم. از سویی به روستاهایی که قومیت‌های ایرانی را در خود جای داده بودند، سفر می‌کردم تا ضمن تکمیل تحقیقات خود در زمینه چگونگی دوخت عروسک‌های آن قوم، در صورت لزوم از ظرفیت همان روستا و قومیت برای تولید بازار استفاده کنم. در واقع یک تیر و چند نشان می‌شد.»

بومی‌سازی عروسک‌ها در محله‌ها

نیری که به تازگی از گذراندن دوره‌های آموزشی عروسک‌های «خلاق و بازیچه» فارغ شده است، می‌افزاید: «بومی‌سازی عروسک‌ها را می‌توان از محله‌های تهران نیز آغاز کرد. محله‌هایی که در اغلب موارد ساکنانی با قومیت‌های خاص دارند. اینها هرکدام می‌توانند عروسک‌های منحصربه‌فرد خود را داشته باشند. «هر محله یک عروسک» می‌تواند طرح خوبی برای تزریق نشاط و شادی زیر پوست پایتخت باشد. چراکه یکی از ارکان مهم هویت‌بخشی به محله‌ها، همین عروسک‌های بومی هستند که بسیار داستان و افسانه برای روایت دارند و قدیمی‌ترین عروسک‌سازها هم مادران و مادربزرگ‌های ما هستند که نیاز است از توانمندی و حافظه تاریخی آنها در راستای احیای این هویت‌ها استفاده شود. مانند غذاهای بومی و محلی که جشنواره‌های بسیاری درباره آنها برگزار می‌شود و در جریان همین جشنواره‌ها با خوراک‌ها و غذاهای فراموش شده محلی آشنا می‌شویم. عروسک‌ها هم جدا از این قاعده نیستند و می‌توان با کمک ظرفیت غنی آنها، سرمایه اجتماعی، حس تعلق خاطر و احیای هویت‌ها را جان تازه بخشید و در کنار این شناسایی هویتی و بومی، محیط مناسبی نیز برای آموزش‌های تخصصی ایجاد کرد. محیطی که در آن هم از تخصص و خلاقیت افراد آموزش دیده در این حوزه و هم از تجربه افراد قدیمی و بومی می‌توان استفاده کرد. گذر زمان ثابت کرده است که گره خوردگی تخصص، خلاقیت و تجربه، پیشرفت همه جانبه‌ایی را فراهم می‌کند.»

کارشناس و پژوهشگر هم‌محله‌ای از احیای عروسک‌های ۱۲۰ سال پیش می‌گوید

لعبتکان قاجاری

سحر جعفریان

از کودکی علاقه ویژه‌ای به عروسک و پارچه‌های رنگارنگ داشت. اما تصورش را نمی‌کرد که یک روز همه اشتیاقش به کسب و کار و هنر، عروسک‌های بومی و سنتی باشند. تصور اینکه در سن ۳۱ سالگی به‌عنوان کارشناس و پژوهشگر حوزه عروسک‌های بومی و محلی، هم عروسک‌های هویتی تولید کند و هم بسیاری از آنها را که در گذر زمان به فراموشی و خاطره‌های محو پیوسته‌اند احیا کند، برایش دور بود. اما اکنون چند سالی می‌شود که این افکار دور و دراز به واقعیت تبدیل شده‌اند و «پرستو نیری»، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، با علاقه‌مندی‌های جدیدش، تاریخ و پیشینه صنعت عروسک در ایران و قومیت‌های گوناگون را کنکاش می‌کند. تاکنون ۲ عروسک بومی (قاجار) و ۳ عروسک محلی (لرستان) با قدمت‌های بیش از ۱۲۰ سال را احیا کرده است. با این بانوی هنرمند هم‌محله‌ای دقایقی را به گفت‌وگو درباره عروسک‌های بومی و کیفیت اثربخشی آنها در محله‌های پایتخت پرداخته‌ایم که در زیر می‌خوانیم.

سفارش عروسک‌های فاخر بومی

جای خالی دوره‌های آموزش تخصصی عروسک‌دوزی بومی و تبلیغات نامناسب برای تولیدات بومی‌سازی شده، را از مهم‌ترین عوامل رونق نگرفتن بازار اسباب‌بازی و عروسک در ایران می‌داند و می‌گوید: «آشنایی با عروسک‌های بومی و قومی به جشنواره‌های محلی و ملی محدود می‌شود. بیرون از فضای این جشنواره‌ها، حمایتی از تولیدات اقوام ایرانی نمی‌شود. برای همین سال گذشته، مجموعه کاملی از عروسک‌های اقوام ایرانی برای جشنواره «گردشگری بین‌المللی در ژاپن» تهیه کردم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. مجموعه‌ای دیدنی از قوم‌های لری، بختیاری، قشقایی، کردی، آذری، بلوچی، گیلکی، ترکمن، خراسان، هرمزگان، بوشهر، ابیانه و کرمانجی با جزئیات کامل پوشش و آرایش که سفارش‌های متعددی را برایم به ارمغان آورد. سفارش‌ها معمولا در ۲ بخش تقسیم‌بندی می‌شوند. بخش نخست افرادی هستند که یا مجموعه دارند و یا به هر دلیلی از بودجه مالی خوبی برخوردار هستند و سفارش یک عروسک بومی فاخر را می‌دهند. عروسکی که همه لوازمش از پارچه گرفته تا سکه‌های قدیمی و تزیینی بر روی آن و نوع دوخت ودوزش، مرتبط با همان قومیت مدنظر است. برای مثال، در تهیه عروسک «بلوچ» که تقریباً می‌توان گفت جزو گران‌ترین سفارش‌ها است، از پارچه‌های دستبافت و سوزن‌دوزی‌های ویژه آنها استفاده می‌شود. در نتیجه سفارش «ویژه» تحویل می‌دهم. بخش دوم هم عروسک‌هایی با قیمت‌های عمومی‌تر هستند که هدف از تولید آنها، شناساندن کلیت یک فرهنگ محلی یا بومی است. این عروسک‌ها از متوسط قیمت برخوردار هستند. یک سال گذشته به‌طور تقریبی، ۲۵۰ عروسک بومی سفارش شده را تحویل مشتری‌ها دادم. اگر تولید را گسترش دهم، بی‌شک از نیروی کار محلی‌ها و روستاییان استفاده خواهم کرد.»

نخستین آموزشگاه
مجازی محلی و شهری پایتخت افتتاح شد

مدرسه نوآوری و خلاقیت در محله استادمعین

سحر جعفریان

در روزگاری که ویروس «کرونا»، اغلب قراردادهای اجتماعی و سیاسی را تحت تأثیر قرار داده است، فعالیت‌سراهای محله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی محله نیز تاکنون از قاعده این تغییرات فراگیر مستثنا نبوده است.سراهایی که تا پیش از شیوع «کووید ۱۹»، محل پر رفت و آمدی برای آموزش و تفریح بودند، اکنون اما به‌صورت مجازی خدمات متنوع به شهروندان ارائه می‌دهند. یکی از این خدمات نوین، به تازگی در قالب افتتاح «مدرسه نوآوری و خلاقیت سرای محله استاد معین» ارائه می‌شود. مدرسه نوآوری و خلاقیت که قرار است در آن ایده‌های گوناگون اهالی مطرح، بررسی و پیگیری شود تا در صورت دریافت تأییدیه‌های کارشناسی‌ـ شهری با توجه به حوزه خدمات شهری، معماری، محیط‌زیست، فناوری، اجتماعی، به مرحله اجرا برسند. در این گزارش ضمن گفت‌وگو با اهالی و مسئولان آن به واکاوی عملکرد و شیوه تأثیرگذاری مدرسه نوآوری محلی بر رفع معضلات شهری می‌پردازیم.

تحولات بزرگ محلی با نوآوری

سرای محله «استاد معین»، یکی ازسراهای محله در منطقه ۹ است که دسترسی آسان آن برای اغلب شهروندان، امتیاز محسوب می‌شود. امتیازی که البته در دوران شیوع کرونا با توجه به محدودیت‌های رفت و آمدی چندان به کار نمی‌آید. این‌سرا در ضلع جنوب‌شرقی بوستان بزرگ «المهدی»(عج) واقع شده است که این روزها به‌صورت محدود و بیشتر به شکل مجازی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. «محمد اصغرزاده» یکی از ساکنان قدیمی محله استادمعین درباره افتتاح مدرسه نوآوری محلی و شهری می‌گوید: «آموزش‌های از راه دور، مجازی و استارت آپ‌ها امکاناتی هستند که باید بسیار پیش‌تر از شیوع کرونا به ضرورت تبدیل می‌شد. اما اکنون به سبب قرنطینه و اعمال محدودیت‌ها به امکانی جدید تبدیل شده‌اند که به گمانم باید از ظرفیت‌ها آنها به خوبی بهره‌برداری شود.» اصغرزاده که دانشجوی کارشناسی رشته «آی‌تی» است، ادامه می‌دهد: «محله‌های قدیمی و هویتی، به چنین ظرفیت‌ها و بسترهایی بیشتر نیاز دارند تا هم هویت‌شان با علم و تکنولوژی به روز شده احیا شود و هم بافت سنتی‌شان، رنگ و رویی تازه به خود بگیرد.» «بنفشه عالمی» نیز یکی از مراجعه‌کنندگان سرای محله استادمعین است که به تازگی از آغاز فعالیت مدرسه نوآوری محلی مطلع شده است. او می‌گوید: «برای رفع یکسری از معضلات قدیمی محله مان، چند پیشنهاد دارم که علاقه‌مند هستم آنها را در این مدرسه محلی جدید پیگیری کنم. این کار هم جذاب است و هم به گونه‌ای برایم مسئولیت اجتماعی ایجاد می‌کند. با فعالیت مدرسه نوآوری سرای محله می‌توان، تحولات بزرگی را برای محله‌ها انتظار داشت. اما افسوس که کرونا محدودمان کرده است. البته می‌گویند یکی از ویژگی‌های این مدرسه، مجازی بودن و استفاده از تکنولوژی در آن است.»

محله ایده‌آل با چاشنی نوآوری و خلاقیت

محله استادمعین با ۱۰۴ هکتار مساحت و بیش از ۱۸ و ۵۰۰ نفر جمعیت، تاکنون ۴۰درصد از بهره‌برداری پروژه‌های خرد و کلان سال جاری منطقه را در خود جای داده است. این به آن معناست که شتاب پیشرفت این محله نسبت به سایر محله‌های منطقه بیشتر است و نوآوری و مشارکت شهروندان در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های شهری در حوزه‌های مختلف می‌تواند «شهر زیست پذیر» را رونق بخشد. «مسعود بخشایش» یکی از اعضای شورایاری محله استادمعین در این‌باره می‌گوید: «مشارکت شهروندان در شکل‌گیری طرح‌ها و ایده‌های شهری با هدف ساختن یک محله ایده‌آل، یکی از عوامل مهم شهرسازی نوین محسوب می‌شود که هم باید مورد توجه شهروندان قرار بگیرد و هم از سوی مدیران شهری پیگیری جدی شود. در این بین استفاده از نوآوری‌های مجازی و دیجیتال و حتی استارت آپ‌ها، بهترین گزینه برای شیوه مشارکت شهروندان در دنیای پیشرفته امروزی است. اکنون اگر جایی هم مانند مدرسه نوآوری محلی افتتاح شود که شهروندان در آن هم ایده‌پردازی‌های مؤثر در شهر و محله را آموزش ببینند و هم آن ایده‌ها را با نام خود ثبت و اجرا کنند، دیگر مصداق کامل مشارکت شهروندی (مدرن) بر پایه فناوری و تکنولوژی است. امیدوارم تداوم اجرای آن، حس تعلق خاطر را به اهالی محله‌ها بازگرداند.»

رویدادسازی با تکثیر ایده‌های مؤثر

رویدادسازی‌های محلی و اجتماعی می‌توانند جذب حداکثری مشارکت شهروندان را در نگهداشت شهر به همراه داشته باشند. «علیرضا خامسیان»، معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه، با بیان این مطلب می‌گوید: «رویدادسازی‌های محلی و اجتماعی اگر بر مبنای اصول و منطبق با ساختار اجتماعی و فرهنگی هر محله شکل بگیرد، می‌تواند بیشترین میزان مشارکت اهالی آن محله را دربر داشته باشد. برای این منظور می‌توان از پتانسیل انجمن‌های مردم‌نهاد و ایده‌های برتر شهری استقبال کرد. مدرسه نوآوری و خلاقیت سرای محله استادمعین یکی از این ایده‌های مؤثری است که باید در همه محله‌های پایتخت تکثیر شود تا مشکلات به خوبی شناسایی و برطرف شوند. روند مشارکتی که با سرمایه و مسئولیت اجتماعی نیز عجین خواهد شد.»

علیرضا خامسیان
معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه۹

غلامرضا پیشکار، مدیر محله استادمعین و مبدع طرح مدرسه نوآوری محلی:

با نوآوری و خلاقیت، محله خود را آباد کنیم

جوامع در حال تغییر امروز از کوچک (محله) تا بزرگ (کشور)، نیازمند حضور و نقش‌آفرینی پدیده‌هایی با نام «نوآور اجتماعی» هستند. نوآورانی که با مشارکت پویاشان، آن جامعه مدنظر را آباد می‌کنند.

«غلامرضا پیشکار»، مدیر محله استادمعین و نماینده مدیران محله‌های تهران که مبدع طرح «مدرسه نوآوری» این سرای محله است، با بیان این مطلب می‌گوید: «مجموعه فعالیت‌های نخستین مدرسه نوآوری سرای محله‌های پایتخت در ۳ بخش تعریف شده‌اند. بخش نخست، آموزش‌های عمومی و تخصصی در حوزه کارآفرینی و نوآوری اجتماعی و خلاقانه است. بخش دوم، تحقیق و توسعه با تجمیع محتویات پژوهشی برای ایجاد مشارکت و مسئولیت اجتماعی در افراد و بخش سوم نیز، گفتمان‌سازی همراه با تولید محصولات چند رسانه‌ای، برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها، برنامه‌ها و رویدادهای اجتماعی در بین گروه‌های مختلف سنی است. به این معنا که با برگزاری برنامه‌های محلی، اهالی را به ارائه بهترین ایده‌ها و طرح‌ها ترغیب کنیم.»

پیشکار با تأکید بر فعالسازی ظرفیت نخبگان محلی و منطقه‌ای در مدرسه نوآوری می‌افزاید: «با ایجاد یک فضای آموزشی و اشتراکی به دنبال طراحی ایده‌های نوآورانه و مبتکرانه از سوی اهالی برای احیای حیات بانشاط محله‌ها هستیم. این طراحی ایده می‌تواند با اشتراک‌گذاری تجارب و نیازهای اهالی در حوزه‌های گوناگون شهری از خدمات شهری گرفته تا آسیب‌های اجتماعی همراه باشد. همچنان که تاکنون، بیشترین استقبال در طراحی ایده‌ها در حوزه کارآفرینی، توسعه کسب و کارهای خانگی و خدمات شهری صورت گرفته است. ایجاد استارت آپ‌ها با توجه به سرفصل‌های مدرسه نوآوری محله نیز یکی دیگر از بخش‌های پراستقبال بوده است که از شهروندان می‌خواهیم تا با ایده‌ها و پیشنهادهای خود، محله‌شان را با نوآوری و خلاقیت‌های محلی به جایی بهتر برای زندگی تبدیل کنند.»

غلامرضا پیشکار
مدیر محله استادمعین

چند تصمیم بزرگ

زهره امیدی از برنامه بزرگی که برای والیبال بانوان منطقه در سر دارد، به همشهری محله می‌گوید: «در یکی، ۲سال اخیر که مسابقات والیبال به دلیل شیوع ویروس کرونا تعطیل شده است و برگزار نمی‌شود، بانوان والیبالیست ما به لحاظ ورزشی لطمه زیادی خورده‌اند. با توجه به این موضوع تصمیم گرفته‌ام تا اگر شرایط فراهم بود با رعایت همه پروتکل‌های بهداشتی، در مرداد ماه، یک دوره مسابقات در منطقه ۲۱ برگزار کنم. پس از آن هم یک دوره مسابقه فرا منطقه‌ایی به میزبانی منطقه ۲۱ برگزار کنیم. در ادامه برای خودم نیز هدف مهمی دارم که بر روی آن متمرکز شده‌ام. پس از قهرمانی‌های متعدد در شهر و استان تهران، این‌بار می‌خواهم بانوان والیبالیست را در مسابقات کشوری و سطح ملی قهرمان کنم و این هدف بزرگ من است. در زمینه ورزش کارگری نیز با توجه به بودن کارخانه‌های متعدد در منطقه ۲۱، ظرفیت و استعداد بالایی وجود دارد اما متأسفانه با شیوع ویروس کرونا در دوسال اخیر نتوانسته‌ایم چندان در این زمینه فعال باشیم.»

مربی و مدیر فنی والیبال بانوان منطقه ۲۱
برای آینده تیمش برنامه‌ریزی دقیقی کرده است

هدف، شناسایی استعدادها و قهرمانی در کشور

مهدی اسماعیل پور

والیبال بانوان منطقه ۲۱ در سال‌های اخیر رشد و پیشرفت چشمگیری داشته است و امروز در شهر تهران حرف اول را می‌زند و همواره یکی از مدعیان اصلی قهرمانی است. «زهره امیدی»، مربی و مدیر فنی مسابقات والیبال بانوان، یکی از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار در رشد و توسعه این رشته ورزشی در منطقه ۲۱ به شمار می‌رود. این ساکن قدیمی محله «تهرانسر» حدود یک دهه است که در زمینه استعدادیابی، آموزش بانوان والیبالیست، تشکیل تیم‌های والیبال منطقه و برگزاری مسابقات فعالیت می‌کند. در این شماره به سراغ این مربی، مدیر سازنده و موفق والیبال بانوان منطقه رفتیم که نایب رئیسی هیئت والیبال کارگری استان تهران را نیز برعهده دارد و در مجموع چهره فعال و شناخته شده‌ای در والیبال بانوان محسوب می‌شود.

۱۴ سال فعالیت حرفه‌ای در رشته والیبال

سال ۱۳۴۷ در محله «هاشمی» متولد شده، اما چند سال پیش به تهرانسر آمده و ساکن این محله است. زهره امیدی، والیبال حرفه‌ای را کمی دیر آغاز کرده و از آن سو هم اندکی دیرتر از حد معمول ورزش حرفه‌ای را کنار گذاشته است: «از همان دوران کودکی به والیبال علاقه داشتم و در مدرسه و باشگاه‌های مختلف والیبال بازی می‌کردم. اما از ۲۷ سالگی یعنی حدود سال ۱۳۷۴ به شکل حرفه‌ای این رشته را ادامه دادم و کارم را از تیم «شهریار» آغاز کردم. علاوه بر شهریار، عضو تیم والیبال بانوان توابع شهر تهران و شمیرانات نیز بوده‌ام. برای تیم والیبال مناطق مختلف شهرداری تهران بازی کرده‌ام. در همه دورانی که والیبال بازی کردم، تنها ۲ مربی به نام‌های «مهناز عسگری» و «فرشته ترابی» داشتم. تا ۴۱ سالگی، یعنی تا سال ۱۳۸۸، والیبال بازی می‌کردم و پس از آن وارد حرفه مربیگری شدم. البته اگر فرصتی پیش بیاید، هنوز هم بازی می‌کنم مانند شرکت در مسابقات پیشکسوتان جام رمضان که البته متأسفانه در ۲ سال اخیر به سبب پاندمی «کرونا» این مسابقات نیز برگزار نشده است.»

مربی درجه یک والیبال در ۳۸ سالگی

امیدی در همان دورانی که والیبال بازی می‌کرد، به فکر مربیگری هم بود و برای همین پیش از اینکه والیبال را به‌عنوان بازیکن کنار بگذارد، موفق به کسب بالاترین مدرک مربیگری از فدراسیون والیبال می‌شود: «هم زمان با بازیکنی، دوره‌های مربیگری والیبال را هم پشت سر گذاشتم. در سن ۳۲ سالگی موفق شدم مدرک درجه سوم مربیگری را کسب کنم و در ۳۸ سالگی موفق به اخذ مدرک درجه یک مربیگری از فدراسیون والیبال شدم و در تیم‌هایی چون «راه‌آهن»، «مپنا» و «سازمان آب» به مربیگری پرداختم. همچنین مربی و سرپرست مسابقات مناطق مختلف شهر تهران از جمله ۱۷ و ۲۱ نیز بوده‌ام. در بخش ورزش کارگری هم سابقه مربیگری و برگزاری مسابقات گوناگون را دارم. در این سال‌ها آنقدر شاگرد داشته‌ام و در مسابقات مختلف موفق به کسب مدال و قهرمانی شده‌ایم که حسابش از دستم در رفته است. تعدادی از شاگردان من امروز برای خود مربی یا سرپرست فنی موفقی هستند. برای مثال، «مریم مطلبی» از شاگردانم، کمک مربی تیم «سایپا» شده است.»

توانایی و استعداد ورزشی بانوان منطقه

نزدیک به ۸ سال پیش، زهره امیدی به‌عنوان مربی و سرپرست فنی مسابقات والیبال بانوان منطقه ۲۱، مسئولیت فنی و مدیریت این رشته ورزشی را برعهده گرفت. کمتر از ۲ سال طول کشید تا این رشته ورزشی در منطقه متحول شود و شاهد موفقیت‌ها و قهرمانی‌های تیم‌های والیبال بانوان در مسابقات و رده‌های سنی مختلف باشیم: «زمانی که مسئولیت تیم‌های والیبال بانوان منطقه ۲۱ را پذیرفتم در این رشته هیچ قهرمانی و موفقیتی وجود نداشت. مدیران ورزش منطقه هم به این رشته چندان خوشبین و امیدوار نبودند. با توجه به اینکه در مناطق دیگر با تیم‌های مختلفی کار کرده بودم و از توانایی و استعداد بانوان منطقه در والیبال هم مطلع بودم، این اطمینان را داشتم که اگر از ظرفیت و پتانسیل موجود درست استفاده کنیم، می‌توانیم در این رشته موفق شویم و برخلاف سال‌های گذشته، در مسابقات مختلف از جمله شهرداری‌های مناطق ۲۲گانه شهر تهران، حرفی برای گفتن داشته باشیم. با وجود مشغله‌های فراوانی که به‌عنوان نایب رئیس هیئت والیبال کارگری استان تهران و مشاور ورزشی داشتم، تلاش کردم تا بتوانم تیم خوبی از والیبالیست‌های جوان و مستعد منطقه تشکیل دهم. از تیم‌های مختلف والیبال بانوان منطقه، بهترین نفرات را گلچین کردیم. در منطقه چندین والیبالیست خوب داشتیم که در رقابت‌های دسته یک و دو تهران بازی می‌کردند، اما با توجه به اینکه استفاده از والیبالیست‌های باشگاهی و ملی در مسابقات مناطق ممنوع است، مجبور شدیم به دنبال کشف استعداد برویم و از دل رقابت‌های محلی برای تیم‌های نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، بازیکن انتخاب کنیم. در بیشتر تیم‌ها سرپرست فنی خود سرمربی تیم می‌شود، اما باز هم من این فرصت را در اختیار مربیان جوان قرار دادم تا توانایی‌های خودشان را بروز دهند، رشد کنند و دیده شوند. درنهایت تیم والیبال بانوان منطقه ۲۱ برای نخستین بار به مقام قهرمانی شهر تهران رسید و در سال بعد هم توانست برای دومین بار پیاپی قهرمان شود و از عنوان خود دفاع کند.»

زهره امیدی
مربی‌ومدیر فنی‌والیبال بانوان‌منطقه ۲۱

حمایت چندانی از ورزش بانوان نمی‌شود

مربی و مدیر فنی والیبال بانوان منطقه ۲۱ بر این باور است که با وجود استعدادهای بسیار و تعداد بالای بانوان علاقه‌مند به والیبال، حمایت خاصی از ورزش بانوان نمی‌شود، می‌گوید: «منطقه ما بسیار والیبالیست دارد و استعداد و بازیکن خوب نیز فراوان است، اما متأسفانه از ورزش بانوان از جمله والیبال حمایت چندانی نمی‌شود و در همه این سال‌ها امکانات ویژه‌ای به ما اختصاص نداده‌اند. فقط به سبب علاقه، انگیزه و هدفی که دارم همه سختی‌ها و مشکلات را تحمل می‌کنم تا والیبال بانوان گسترش یابد. متأسفانه بانوان والیبالیست تاکنون از سوی هیچ سازمان و ارگانی حمایت نشده‌اند، با این حال همه تلاشم را صرف می‌کنم تا جوانان را به ورزش ترغیب کنم. در منطقه ۲۱ برای شرکت در مسابقات مناطق، یک دست لباس ورزشی به اعضای تیم می‌دهند. هزینه ایاب و ذهاب نیز پرداخت می‌شود و یا اینکه به اعضای تیم قهرمان، هدیه و لوح تقدیری اهدا می‌شود. حمایت‌ها در بالاترین سطح همین مواردی است که اشاره کردم. این در شرایطی است که جمع کردن و ساختن یک تیم و آوردن مربی‌ها و داورها برای برگزاری تمرینات و مسابقات بدون حمایت و پشتیبانی قوی، واقعاً کار مشکلی است. اگر عاشق والیبال نبودیم، به کارکردن در چنین شرایطی ادامه نمی‌دادیم.»

از سردیس مفاخرایرانی در گذر فرهنگی «تاراز» با حضور مسئولان و مردم رونمایی شد

نامداران بختیاری به دریاچه چیتگر آمدند

ثریا روزبهانی

هدف از ساخت گذر فرهنگی «تاراز» در محوطه دریاچه «شهدای خلیج‌فارس» که سال گذشته به بهره‌برداری رسید، ایجاد مکانی برای حضور قومیت‌های مختلف بود تا در این فضا با آداب، سنت‌ها و داشته‌های تاریخی یکدیگر آشنا شوند و فرهنگ‌هایشان را به اشتراک بگذارند. اکنون در آغاز راه، در گذر فرهنگی «تاراز»، تندیس ۴ نفر از مشاهیر و نام‌داران «بختیاری» نصب شده است تا شهروندان علاوه بر پیاده‌روی در این مسیر، چهره‌های تأثیرگذار قوم بختیاری را بهتر بشناسند. «علیمردان خان»، «سردار بی‌بی مریم»، «مسعود بختیاری» ملقب به «بهمن علاء الدین» و «قیصر امین پور»، پیکره‌هایی تراشیده شده از سنگ و آهن که همگی آنها از بزرگ‌مردان و زنان بختیاری هستند که سردیس آنها در ضلع شمال غربی دریاچه برای آیندگان به یادگار باقی می‌ماند.

در گذر فرهنگی تاراز، شـور و هیاهویی وصف‌ناپذیری جریان دارد. به هر سـمت و سـو در این پیاده‌راه که نگاه می‌کنیم، مـردان و زنان دلیر بختیـاری را می‌بینیم که با لباس محلی یا نشـانی از فرهنگ چند هزار سـاله این قوم بـا افتخار در کنار سـردیس‌های نام‌آوران ایلشـان می‌ایسـتند و این روز را با دوربین‌های تلفن همراهشان ثبت می‌کنند. به باور کارشناسـان معماری، طراحی انواع تندیس‌ها از شـخصیت‌های تاریخی اثرگذار و بزرگان هر منطقه، که در میادین با چشم‌اندازهای مهم شهری نصب می‌شوند، به‌گونه‌ای در شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی نقـش غیرقابل انکاری دارند. حتـی این تندیس‌ها نوعی الگوپذیری مثبت در جامعـه را رواج می‌دهند. به همین دلیل از اهمیت خاصی برخوردار هستند. «میلاد گیوی»، کارشناس معماری و طراحی شهری به اهمیت این اقدام در منطقه۲۲ اشـاره می‌کند و می‌گوید: «باتوجه به اینکه منطقه ۲۲ در مقایسـه با دیگر مناطق پایتخت تازه شکل گرفته اسـت و آن‌گونه که باید هویـت تاریخی ندارد، به همین دلیل نصـب تندیس یا سـردیس‌ها در فضاهای مختلف این منطقه به نوعی هنر شهری محسوب می‌شود و هم‌چنین بخشی از عناصر هویت‌بخش فضاهای جمعی به شـمار می‌رود که در ساماندهی، معنا بخشی و تلطیف منظر آن در حد خود تأثیرگذار است. اما نکته قابل توجه در اسـتفاده از ایـن عناصر، توجه به وحدت و انسـجام تندیس‌های محلی با محیط و نیازهای سیمای این منطقه است، تا فضای قابل فهم و هویت‌بخشی را ایجاد کند. نکته دیگری که در به کارگیری تندیس‌ها یا سردیس‌های افراد تأثیرگذار در تاریخ، مفاخر و مشاهیر باید مورد توجه قرار گیرد، مکان مناسب قرارگیری آنها است. فضای شهری باید به گونه‌ای باشد که شهروندان به آسانی آن را درک کنند و بتوانند با شهر ارتباط برقرار و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی خود را پیدا کنند. به همین دلیل استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی در این منطقه تازه تأسیس اهمیت بسیاری دارد و استقرار تندیس در مکان‌ها و فضاهای مناسب، می‌تواند به‌عنوان عنصری در زیبایی قطب گردشگری پایتخت یا در انتقال معنایی خاص برای شهروندان و گردشگران از این منطقه موفق باشـد. در همین راستا نوع ارتباطی که بین مخاطب و این سردیس‌ها برقرار می‌شود می‌تواند تا حدود زیادی معرف شخصیت آن هنرمند و عارف باشد و روحیات و منویات آن شخصیت را به نسل بعدی معرفی کند. البته در کنار این سردیس‌ها، معرفی شخصیت به‌صورت مکتوب و معرفی آثار این مشاهیر می‌تواند تکمیل‌کننده این معرفی نیز باشـد. انتخاب و نصب تندیس افراد برجسته و مفاخر اقـوام در گذر فرهنگی تاراز منطقه۲۲ اقدامی سـتودنی است و با استناد به این موضوع باید به هنر، رسالت، ایرانی بودن نسـل‌های گذشـته خود افتخار کنیم. زیرا اکنون انتقال الگوهای غیربومـی در زمینه‌های مختلف به یکی از آسیب‌های فرهنگی تبدیل شـده است. برای همین با الگوبرداری از این اقدام می‌توانیم جوانان را با گذشـته و پیشینه تاریخی خود آشنا کنیم.»

ظرفیت فرهنگی و تاریخی در گذر تاراز

دخترک جوانی لباس محلی ایل را پوشیده و به نشان احترام، جلو سردیس «بی بی‌مریم»، سردار زن بختیاری که تفنگ بر دسـت با غرور ایستاده است، زانو زده و با زبان و گویش محلی در وصف او رباعی می‌خواند. دیگر حاضران نیـز او را در این نوا همراهی می‌کننـد. «علی نوذرپور»، کارشناس مدیریت شهری، نصب تندیس و معرفی مفاخر و مشـاهیر را در هویت‌بخشی شـهری مهم می‌داند و در این‌باره می‌گوید: «اسـتفاده از فرصت نامگذاری فضاهای شـهری برای هویت‌بخشی به شـهر، تجربه‌ای بود که در منطقه ۲۲ شهرداری انجام شد. کلماتی همچون «تاراز»، «دزپار»، «شیمبار»، «تی ناز»، «ساوار» و «سالیز»، بخشی از این تلاش مؤثر بودند. تاراز نام گذرگاهی کوهستانی برای کوچ عشـایر بر تارک گذرگاه فرهنگی در شمال دریاچه شهدای خلیج‌فارس اسـت که پیونددهنده طبیعت شهر و روسـتا و انتقال‌دهنده میراث فرهنگی ایرانی به جامعه شـهری تهران خواهد بود. این گذر فرهنگی به طول یک کیلومتر و عرض متوسط ۲۰متر در آینده‌ای نه چندان دور، محلی برای برگزاری جشنواره‌های قومیت‌های ایرانی و نیز ارائه آثاری فرهنگی و هنری مانند نقاشی، مجسمه‌سازی و خطاطی می‌شـود. نام تاراز بخشی از جامعه ایرانی را به سمت خود به واسطه قرابت فرهنگی می‌کشاند و برای سایر خرده فرهنگ‌ها و جشنواره‌ها پاسخگو خواهند بود. هرچند که ویروس «کرونا» در یک سال اخیر نگذاشت این ظرفیت فرهنگی در گذر فرهنگی یادشـده شکل بگیرد. ساخت و نصب سردیس‌های مشاهیر بختیاری‌های ایران در عرصه شـعر و خوانندگی (قیصر امین پور، مسـعود بختیاری و بهمن علاء الدین) و در عرصه تاریخ و آزادی‌خواهی (سردار بی‌بـی مریم) اقدامی دیگری بود که به تازگی در این گذر انجام شد. این تندیس‌ها هریک ظرفیت فرهنگی و تاریخی را به گذر اضافه می‌کنند.»

نام‌های اصیل بختیاری در پروژه‌های شهری منطقه ۲۲

علاوه بر تندیس‌ها و سـردیس‌های مفاخر و مشاهیر اقوام بختیـاری در گذر فرهنگی تاراز، برخی از پروژه‌های شهری منطقه۲۲ به نام‌های اصیل قوم بختیاری نامگذاری شـده‌اند. نوذرپـور در این‌باره توضیحات بیشـتری ارائه می‌دهـد: «در ادامـه «روددره کن» به سـمت حریم در پیوست بوستان «جوانمردان»، ایجاد تفرجگاهی بزرگ با دریاچه‌ای مصنوعی از سـال ۱۳۹۸ آغاز شد که متناسب بـا طبیعت کن و قرابت آن با منطقه‌ای زیبا و تفرجگاهی در اسـتان «چهارمحال و بختیاری»، «شیرین بهار» یا به اختصار «شیمبار» نامیده شد. این نام برگرفته از طبیعت زیبای اسـتان یادشده به بخشی از منطقه، هویت ویژه‌ای خواهد بخشید. «تی ناز» قرینه با «تاراز»، یادآور نقش‌های عروسـکی پسـر و دختر در قوم بختیاری است. این نام زیبا بر پارک بزرگی به مسـاحت تقریبی ۳۲ هکتار که در فضای بین بوسـتان جنگلی «لتمان کن» و پارک زیبای «آبشار» گذاشته شد. این مجموعه تفریحی ـ گردشگری با درختان کهنسـال بیش از ۵۰ سال و نیز مجموعه‌های سـنگی و پیاده‌راه‌های کوهسـتانی که امکان پیاده‌روی در عرصه‌هایی با شیب کم را برای کهنسالان فراهم می‌کند، تجهیز شده است. بی‌شـک مجموعه تی ناز در سال آتی یکـی از محل‌های مناسـب برای تفریح و گردشـگری شهروندان تهرانی به شمار خواهد آمد. هم‌چنین می‌توان به سبزراه «دزپارت» اشاره کرد که ایستگاه مترو «چیتگر» را به دریاچه شـهدای خلیج‌فارس متصـل می‌کند. این سبزراه شامل مسیر دوچرخه و مسیر پیاده‌راهی به طول ۶ کیلومتر است که از جنوب بوستان چیتگر عبور می‌کند و از شمال به دریاچه می‌رسد. به سبب طول آن و پیاده‌راهی بودن، شـباهتی با مسـیر جاده شاهی که اسـتقرارگاه تابستانی شاهان «ساسانی» را به استقرارگاه زمستانی آنها متصل می‌کرد، پیدا می‌کند. دزپارت، نامی تاریخی است که حال را به گذشـته ایران پیوند می‌زنـد. در ادامه این حرکت نیز ایجاد پارک‌های محله‌ای به نام‌های «ساوار» که از ۲ قسمت «سا» و «وار» تشکیل شده و «سا» به معنای سـایه و «وار» به معنای منزلگاه یا مکان و در مجموع به معنای «سـایه انداز» است و همین‌طور «سالیز» که از ۲ بخش «سـا» و «لیز» ساخته شده است؛ «لیز» به معنای آرامـش یا آرام گرفتن و در مجموع به معنای «سـایه‌ای برای آرام گرفتن» اسـت. اسامی دیگری همچون «باغ راز هسـتی» و باغچه‌های «درختان مثمر» دیگر در بوستان جنگلی چیتگر منطقه۲۲ از جملـه مکان‌های نامگذاری شده با اسم‌های پر محتوا و اصیل هستند.»

دورهمی مشاهیر در جوانمردان

بوستان جوانمردان ایران به مساحت کلی ۱۵۰ هکتار، یکی از بزرگ‌ترین بوستان‌های غرب تهران است که به دلیل فراوانی تندیس‌ها در این فضا، به بوستان «تندیس‌ها» نیز شهرت دارد. یکی از اهداف اصلی احداث این بوستان، هویت‌بخشی مجموعه از طریق احداث عناصر کالبدی مانند تندیس‌های مشاهیر، جوانمردان ایرانی و معرفی فرهنگ غنی ایرانی اسلامی به گردشگران داخلی و خارجی است. برهمین اساس بیش از ۷۰ تندیس، سردیس و آثار حجمی با هدف معرفی مشاهیر و شخصیت‌های برجسته ایرانی و هم‌چنین زنده نگه داشتن نام و افتخارات آنان در بوستان جوانمردان ایران نصب شده است. از زمان بهره‌برداری از این بوستان تاکنون تعداد قابل توجهی تندیس، سردیس و طرح فلزی انتزاعی در این بوستان نصب شده که تندیس برنزی «امیرکبیر» با ارتفاع ۴ و نیم متر، تندیس ۴ متری «دهقان فداکار» از جنس «فایبر گلاس» و تندیس ۴ متری بتونی «آرش کمانگیر» از جمله آنها است. سردیس «ملاصدرا» با ارتفاع ۳ متر، «مولانا» در ارتفاع ۳متر و شهید «فهمیده» با ارتفاع ۵ متر، همچنین تندیس۴ متری «ابن‌سینا»، «پهلوان تختی»، «مادر» و... از دیگر پیکره‌های نصب شده در این بوستان هستند. جانمایی این تندیس‌ها با توجه به موقعیت و پیشنهاد مشاوران، در ضلع غربی بوستان جوانمردان، در فواصل معین و در حاشیه فضاهای ساخته شده صورت گرفته است.

بی بی‌مریم نماد بانوی شجاع

«قدرت‌الله‌معماریـان»، مجسمه‌سـاز و سـازنده تندیس «بی بی‌مریم» با بیان اینکه جنس مجسـمه از «بتن گلاسـه» ساخته شده اسـت، می‌گوید: «این مواد مصنوعی از اسـتحکام و عمر طولانی‌تری نسبت به سایر مـواد حتـی «فایبـر گلاس» دارد. به دلیل سرقت مجسمه‌های برنزی، از این مواد برای ساخت این تندیس استفاده شد. خلق این اثر از آغاز طراحی تا پایـان اثر، حدود ۳ ماه به طول انجامید. یک ماه برای طراحی اولیه آن صرف شد و ۲ ماه نیز طول کشید تا این طرح در ابعاد بزرگ‌تر اجرا شود. من دوران خوش کودکی‌ام را در کنار اقوام بختیاری گذراندم و اکنون بهترین دوسـتانم نیـز بختیاری‌ها هسـتند. پدر مادرم اصفهانی هسـتند، اما خودم مسجدسلیمان به دنیا آمده‌ام و تا سن ۱۲ سالگی در آنجا زندگی می‌کردم. به همین دلیل به نسبت آشنایی زیادی با زبان و آداب و رسوم بختیاری‌ها دارم. من از همان دوران طفولیت، ارادت خاصی به «شیر علیمردان» و «بی بی‌مریم» داشتم. هنگامی که خاطرات یا آهنگ‌هایی را که در وصف این افراد سروده شده است می‌شـنوم، به آنها افتخار کنم.» او درباره طراحی چهره این سـردار شـجاع می‌گوید: «برای ساخت تندیس بی‌بی مریم، تصاویـر یا توصیف‌هایی که از وی داشـتم، مربوط به سـن ۶۲ سـالگی او بود. در این پرتره بی‌بی‌مریم پیر شده است و دیگر هیبت و ابهـت خود را در دوران جوانی که سـردار جنگ بود، ندارد. به همین دلیل زمان ساخت تندیس بی‌بی مریم با اسـتفاده از خاطرات دوران زندگیم در بین این قوم، تلاش کرده‌ام نوع لباس و چهره بانوی بختیاری را در سن جوانی نشان بدهم تا بتوانم دلاوری و بی‌مثال بودن این بانوی دلیر را به تصویر بکشم. زمانی که او سردار ایل بختیاری بود.»

اقوام بی‌مثال

او باور دارد شـناخت شـهروندان نسبت بـه دیگر اقوام لازمه زندگی در کلانشـهرها است. او می‌گوید: «با توجه به اینکه این افراد شناخته شده و نقش مهمی در تاریخ کشور داشته‌اند، باید آنها را بشناسیم. همان‌گونه که ما «رئیس علی دلـواری» یا «میرزا کوچک خان جنگلی» را به خوبی می‌شناسـیم، باید درباره این افراد برجسـته نیز اطلاعات کافی داشته باشیم. باید چهره‌های تأثیرگذار کشور خودمان را معرفی کنیم.»

با برخی از تندیس‌های منطقه آشنا شوید

علی مردان خان بزرگ

«علی‌مردان‌خـان بختیاری» در سـال ۱۲۷۱به دنیا آمد. او از سـرداران بختیاری ایـران از ایـل «چهارلنـگ» بختیاری در منطقه «چنارود فریدن» اسـتان اصفهان و سردشـت ایران بود که با ارتش «رضاشاه» مبارزه کرد. علی مردان خان در سال ۱۳۱۳ در زندان «قصر» تهران در گذشت.

■■■

سردار بی‌بی مریم

«بی‌بـی مریـم بختیـاری» در سال۱۲۵۳متولد شـد. او مشهور به سردار مریـم بختیاری، نویسـنده ایرانی و از زنان فعال در انقلاب مشـروطه بود. وی در سال ۱۳۱۶ در اصفهان در گذشت.

■■■

آیهمن، آهنگساز لر

« آ یهمـن علا ء ا لد یـن » معروف به «مسعود بختیـاری» یکی از بزرگ‌تریـن و محبوب‌تریـن خو ا نند ه هـا ، ترانه‌سَراها و آهنگ‌سـاز مردم لُر بختیاری بود. او در ۲۰ مهرماه ۱۳۱۹ در مسجدسـلیمان دیده به جهان گشود و در ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۸۵ در کرج دیده از جهان فرو بست.

■■■

قیصر شاعر

«قیصـر امین‌پـور» نویسـنده، مـدرس دانشـگاه و شـاعر معاصر ایران بود. او یکی از تأثیرگذارتریـن شـاعران در دوره انقلاب اسـلامی به شـمار می‌رفت و در نخسـتین جشـنواره بین‌المللی «شـعر فجر» در بخش «آئینی» برگزیده شد.

■■■

شهید سرلشکر شریف اشراف

سرلشکر شهید «شـریف اشراف» برای گذرانـدن دوره نظامـی به آمریـکا رفت و درکنـار گذرانـدن دوره‌هـای مقدماتی، رنجـری، چتربـازی و تـکاوری را نیز در آنجا آموزش دید. در سـال ۱۳۳۹ به وطن بازگشت و به‌عنوان استاد «اسلحه شناسی» خدمت خود را آغاز کرد. او باشـروع جنگ تحمیلی فعالیت خود را در کردسـتان آغاز کـرد و معاونت لشـکر ۲۱ ارتش جمهوری اسلامی را برعهده داشت.

■■■

سرلشکر خلبان شهید «مصطفی اردستانی»

تندیس سرلشکر خلبـان شـهید « مصـطفی اردسـتانی» هم در ایـن مـکان مقدس به چشم می‌خـورد. وی در طـول جنـگ تحمیلی، همـواره داوطلب مأموریت‌هـای مشـکل بود. او بـا انجام دادن ۴۰۰ پرواز برون مرزی بر فراز خاک دشـمن و ۱۷۲۴ ساعت پروازهای مختلف در خاک میهن اسلامی، یکی از قهرمانان جنگ به شمار می‌آید.

نخستین پلاک محیط‌زیست منطقه
بر سردر خانه‌ای در شهرک چشمه نصب شد

خانه پلاک۳ دوستدار کاپ

ثریا روزبهانی

افراد بسیاری را می‌توان یافت که به تفکیک زباله اهمیتی نمی‌دهند و چه بسا زباله‌های تر و خشک خود را بی‌آن که بخواهند جدا کنند دور می‌ریزند. روزانه بیش از ۱۰۰ تن زباله در منطقه ۲۲ تولید می‌شود. این در حالی است که بخشی از این زباله‌ها را پسماندهای خشک تشکیل می‌دهند. مدتی است ساکنان مجتمع‌ها و برج‌های منطقه با مشارکت در اجرای طرح «کاپ» تلاش می‌کنند تا به حفظ و نگهداشت محیط‌زیست خود کمک کنند. آنها زمین را خانه اصلی خود می‌دانند و باور دارند حفظ آن یعنی بقای خود و خانواده‌هایشان. «سهیلا نصرت»، ساکن نخستین خانه ویلایی شهرک «چشمه» به شماره پلاک ۳ است که «پلاک دوستدار محیط‌زیست» بر سردر آن نصب شده است. به گفته مسئولان اداره «پسماند» منطقه، این بانوی هم‌محله‌ای بیشترین بازیافت و تفکیک زباله را داشته است. به دیدار این بانو رفتیم تا حرف‌هایشان را درباره روش بازیافت پسماندهایشان بشنویم.

گوشه حیاط خانه‌اش ۲ سطل گذاشته است. یکی برای زباله‌های خشک و دیگری برای زباله‌های تر. وقتی از بصیرت بانوی هم‌محله‌ای درباره دلیل نصب پلاک دوستدار بر سردر خانه‌اش سؤال می‌کنم، در پاسخ می‌گوید: «آموزشیاران برای آشنایی اهالی با طرح کاپ به در منازلمان می‌آمدند. این اقدام آنها ارزشمند بود و به گمانم همین که دیگر در ابتدای کوچه مخزن زباله‌ای که چهره شهر را زشت می‌کند، وجود ندارد و حیوانات آن را پخش نمی‌کنند، برایم خوشایند آمد. به همین دلیل هر وقت که مراجعه می‌کردند، آنها را برای ادامه این کار تشویق می‌کردم تا این آموزش‌ها در محله و بین اهالی به نتیجه برسد. هم‌چنین تلاش می‌کردم با دقت بیشتری زباله‌ها را تفکیک کنم. چون هر ۲ طرف باید برای به دست آوردن نتیجه دلخواه باید تلاش کنند. حفظ محیط‌زیست و نگهداری از آن وظیفه همگان است. پس من نمونه نیستم، بلکه دوستدار طبیعتم.»

رفتار ما الگویی برای دیگران

بانوی فعال در عرصه حفظ طبیعت، سال‌ها است در این زمینه حضور چشمگیری دارد. او بر این باور است که زمین و هوای آبی و پاک نباید تنها یک شعار باشد، بلکه همه باید دست در دست یکدیگر دهند تا با اجرایی کردن آن در زندگی‌های جاری به حفظ زمین و محیط‌زیست کمک کنند.

اجرای طرح کاپ در مجتمع‌های مسکونی نواحی

ناحیه یک	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	ناحیه ۵	ناحیه ۶
بانک ملی شهرک چشمه فنی و حرفه‌ای دیوان محاسبات مجتمع یاس	شهرک صدرا شهرک زیتون مجتمع مهستان	مجتمع روژان یک و دو همراه شهر معلم	شهرک چیتگر مجتمع امین مجتمع الماس مجتمع برلیان مجتمع پاریز	مجتمع سفید مجتمع عرفان	مجتمع نگین آبشار مجتمع پارسیان شهرک پاسارگاد شهرک دانشگاه تهران فاز یک مجتمع خیام ساختمان شقایق ساختمان فرهنگیان

۳۰۹۵۰
نفر از جمعیت منطقه ۲۲ تاکنون در طرح کاپ مشارکت داشته‌اند.

۹۶۷۵
خانوار تحت پوشش طرح کاپ قرار گرفته‌اند.

۵۶۵
مخزن تر و خشک بین شهروندان و مجتمع‌ها توزیع شده است و ۷۹ مخزن نیز از معابر جمع‌آوری و حذف شده است.

۱۱۴
برج از ۳ ماه پایانی سال ۱۳۹۹ تا هفته سوم خرداد در طرح کاپ مشارکت داشتند.

بصیرت احترام به طبیعت را احترام به خود می‌داند و می‌افزاید: «ما از خاک آفریده شده‌ایم. پس باید به زمین احترام بگذاریم. رفتار ما با طبیعت سبب می‌شود تا بسیاری از اطرافیانم از من الگو بگیرند. چون من باور دارم برای آموزش دیگران به حفظ طبیعت، بهترین راه این است که ابتدا خودم کارهای لازم در این زمینه را انجام بدهم. وقتی دیگران می‌بینند که حتی زباله ریخته شده آنها در طبیعت را من جمع‌آوری می‌کنم، یاد می‌گیرند به پاکیزگی طبیعت و زمین اطرافشان اهمیت بدهند.» در خانه نصرت همه پسماندها به‌طور جداگانه تفکیک می‌شوند. او بطری‌های پلاستیکی، شیشه‌ها، کاغذ و روزنامه و قوطی‌های کنسرو و رب را به‌طور جداگانه جمع‌آوری می‌کند. حتی برخی از این پسماندها را برای درست کردن عروسک به یکی از بستگانش می‌دهد.

خداحافظی با کیسه‌های پلاستیکی

مشارکت و همراهی شهروندان، سلامت زندگی شهری را در کاهش تولید زباله و اثرات منفی آن به همراه خواهد داشت. بصیرت در ادامه استفاده از کیسه پارچه به جای پلاستیک را راهی برای کمک به طبیعت می‌داند و می‌گوید: «از وقتی شنیده‌ام که سال‌های زیادی به طول می‌انجامد تا کیسه‌های پلاستیکی تجزیه شوند، تلاش می‌کنم تا از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده کنم. من وقتی برای خرید می‌روم، همراهم کیسه پارچه‌ای می‌برم و نمی‌گذارم فروشنده خریدم را حتی اگر یک شامپو باشد داخل نایلکس بگذارد. فروشنده‌ها هم با این کار از من تشکر و شهروندان دیگر را به انجام این کار تشویق می‌کنند. بهتر است برای ترویج آن از مکان‌های عمومی آغاز کنیم. اگر مراکز و نهادها کیسه‌های پارچه‌ای را در کنار هدیه‌های خود بگذارند، اهالی هم به استفاده از این پارچه‌ها تشویق می‌شوند.» بانوی هم‌محله‌ای از اینکه می‌بیند برخی افراد به تفکیک زباله اهمیت نمی‌دهند، ناراحت است. او ادامه می‌دهد: «این کار چندان سخت نیست. تنها کافی است هنگام دور ریختن پسماندها اندکی دقت کنیم. این‌گونه زباله کمتری تولید می‌کنیم. در این مدت که این پلاک را نصب کرده‌اند همسایه‌ها از من درباره آن سؤال می‌پرسند و من هم شیوه تفکیک زباله را به آنها آموزش می‌دهم.»

محله‌ای تمیز در نبود مخازن زباله

آموزش طرح کاپ مدتی است که در چند کوچه از شهرک چشمه آغاز شده است. نصرت، زیبا و پاک شدن این محدوده را از جمله نقاط قوت این طرح می‌داند و می‌گوید: «از زمان اجرایی شدن این طرح در محله، چون دیگر مخازن زباله در سر هر کوچه‌ایی وجود ندارد، محله تمیز و مرتب به چشم می‌آید. حتی همسایه‌ها برای اینکه گربه‌ها گرسنه نمانند، در باغچه‌ها آب و ظرف‌های مخصوص غذا گذاشته‌اند تا در نبود سطل‌های زباله آنها گرسنه نمانند.» او به زمان جمع‌آوری زباله‌های تر و خشک در این محدوده اشاره می‌کند: «باید پیمانکاران براساس زمان تعیین شده مراجعه و زباله‌ها را از منازل اهالی جمع کنند. چون زباله‌های تر را نمی‌توان چند روز در خانه نگه داشت. برای اینکه مشارکت شهروندان در این طرح افزایش پیدا کند، باید خوش‌قول باشند تا اهالی به آنها اعتماد کنند. هم‌چنین اهالی با شیوه اجرای این طرح آشنا نیستند. به همین دلیل برای نهادینه کردن طرح کاپ باید به شهروندان آموزش داد و آنها را با مزیت و قابلیت‌های آن آشنا کرد. مشارکت و همراهی شهروندان، سلامت زندگی شهری را در کاهش تولید زباله و اثرات منفی آن به همراه خواهد داشت. در حقیقت رویکرد اصلی و مهم طرح کاپ، کاهش میزان تولید پسماند است که باید بین مردم به فرهنگ عمومی رایج تبدیل تا شهر قابل زیست و شرایط برای نسل‌های بعدی بهتر شود. با اجرای طرح کاپ به تدریج شاهد حذف مخازن کنونی زباله و جایگزینی مخازن ۳گانه در بیشتر ساختمان‌ها خواهیم بود.

منطقه‌گل‌های سرخ

احمد مسجدجامعی، عضو شورای‌شهر تهران

ادامه از صفحه ۲-

در طرح جامع ۱۳۴۷ تهران به چندین هسته تقسیم شده است و جامعه لتمال و جامعه وردآورد دو هسته در مسیر توسعه شهر تهران در مسیر شرقی- غربی هستند. در اواخر دهه ۷۰ طرح‌های توسعه مناطق ۲۱ و ۲۲ آماده شدند. با این حال دچار مسائل مربوط به تصویب شدند. سرانجام طرح تفصیلی این منطقه در سال ۱۳۸۴ مصوب شد. در وضعیت فعلی این منطقه از ۳ ناحیه تشکیل شده است. کاربری عمده در این منطقه به ۳ دسته مسکونی، صنعتی و نظامی قابل تقسیم است. حوزه مسکونی به‌طور پراکنده در هر ۳ ناحیه مشاهده می‌شود و بیش از ۵۰درصد این منطقه را تشکیل داده است. حوزه مسکونی در قالب شهرک‌های مسکونی که عمدتاً در دهه ۶۰ و ۷۰ ایجاد شدند تعریف شده است. بزرگراه آیت‌الله مهدوی کنی محور شمالی جنوبی مهم این منطقه را تشکیل داده است و بزرگراه فتح، بزرگراه لشکری و آزادراه تهران- کرج محورهای شرقی- غربی مهم این منطقه هستند (طرح تفصیلی منطقه ۲۱، ۱۳۸۴).

یکی از مکان‌های مهم منطقه که دراراضی چیتگر قرارداشت و امروزه متأسفانه فقط بقایایی از آن در جنوب غرب محله باقی مانده، کاروانسرای سنگی بود. در عهد قاجار این کاروانسرا آخرین منزل کاروان‌های عبوری پیش از رسیدن به تهران بود. از آنجاکه این کاروانسرا برخلاف بیشترکاروانسراها کاملاً از سنگ ساخته شده بود، به این نام آوازه یافت. این کاروانسرا در نزدیکی محل تلاقی بزرگراه‌های فتح (جاده قدیم کرج) و شهید لشکری (جاده مخصوص کرج) قرارداشت و به این دلیل، این نقطه به سه‌راه کاروانسرای سنگی معروف است. صاحبان این کاروانسرا از گذشته همان مالکان روستای وردآورد بودند.

دهه‌چهل خورشیدی با ساخت کارخانجات و کارگاه‌های مختلف در حاشیه تهران مقارن بود. بیشتر این کارخانه‌ها در غرب تهران و در اطراف جاده مخصوص و جاده قدیم کرج ساخته شدند. در این روند، مالکان روستای وردآورد بخشی از زمین‌های روستا را به صاحبان صنایع فروختند. کارخانه‌ها و کارگاه‌ها یکی پس از دیگری ساخته شدند و فرایند جذب نیروی کار آغاز شد. بیشتر کارگران مهاجرانی بودند که در سودای زندگی بهتر به تهران و اطراف آن کوچیده بودند و علاوه‌بر یافتن شغل، می‌کوشیدند سرپناهی برای خود بیابند. بدین‌ترتیب، زمین‌های وردآورد خریدار بیشتری پیدا کرد. مالکان هم که دریافته بودند فروش زمین‌ها سود فراوانی عایدشان می‌کند، زمین‌ها را در قطعات کوچک به متقاضیان می‌فروختند. رفته‌رفته جمعیت وردآورد بیشتر شد و امنیت آن افزایش یافت. ساکنان قلعه نیز به دلیل کمبود جا، به فکر ساخت‌وساز خانه در بیرون از قلعه افتادند. این روند به گونه‌ای بودکه قلعه دیگرکارکرد خود را از دست داد و رو به ویرانی نهاد و در نهایت، به‌کل از میان رفت. تا چندی پیش بقایایی از برج‌های قلعه باقی مانده بودکه آنها هم بر اثر ساختمان‌سازی از بین رفتند. امروزه وردآورد غربی‌ترین محله تهران به‌شمار می‌آید و پس از آن، استان البرز آغاز می‌شود. دربخش شرقی محله نیز رودخانه چیتگر مرزی طبیعی بین وردآورد و اراضی چیتگر بوده است. امروزه اگر به نقشه منطقه ۲۱ نگاهی بیندازیم، بیش از آنکه خانه و محله مسکونی بیابیم، با کارخانه‌ها وکارگاه‌های بزرگ وکوچکی روبه‌رو می‌شویم که محله‌ها را از هم جدا کرده‌اند و باعث شده‌اند بافت منسجم مسکونی در این منطقه شکل نگیرد و محله‌ها مانندجزیره‌هایی پراکنده، پیوندی با هم نداشته باشند. منطقه ۲۱ بیش از آنکه مسکونی باشد، منطقه‌ای صنعتی است.

براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این منطقه ۱۸۶ هزار نفر برآورد شده است که در میان دیگر مناطق شهری، در رتبه بیستم قرار می‌گیرد. این منطقه با وسعتی در حدود ۵۱ کیلومترمربع، سه ناحیه و سیزده محله دارد.

مروری بر وضعیت منطقه ۲۱

بخشی از مسائل مهم این منطقه که در طرح تفصیلی مورد اشاره قرار گرفته به موضوع سازگاری فعالیت‌ها و کاربری‌ها باز می‌گردد. همچنین کاربری‌های بزرگ مقیاس این منطقه که در برخی موارد مقیاس ملی دارند مانع از ایجاد ارتباط بین بخش‌های مختلف منطقه شده‌اند و در برخی موارد دسترسی را مختل کرده‌اند. پراکندگی کاربری‌های درشت دانه و صنعتی و شکل‌گیری شهرک‌های مجزا در میان آنها موجب شده که هویت جامعی برای برخی از محدوده‌ها ایجاد نشود. همچنین توزیع خدمات در برخی بخش‌های مسکونی این منطقه کافی نیست (طرح تفصیلی منطقه ۲۱، ۱۳۸۴). وجود رودخانه وردآورد و رودخانه کن یکی از موارد زیست‌محیطی است که در زمینه این منطقه شایان ذکر است. این دو رودخانه دارای طرح ساماندهی هستند و اراضی اطراف آنها نیاز به تعیین تکلیف و تملک دارد. در عین حال، وجود گسترده صنایع در منطقه ۲۱ آلودگی‌هایی را نیز در پی داشته است. گذشته از آلودگی هوا، این صنایع با دفع فاضلاب صنعتی مشکلاتی را ایجاد کرده‌اند. زباله‌های ایجاد شده در این صنایع نیز از مصادیق آلودگی هستند.

طرح تفصیلی برای حل این معضل پیشنهادهایی همچون افزایش اراضی سبز در منطقه، فعالیت‌های مشارکتی برای کاهش زباله‌ها و همچنین ایجاد تعاونی‌هایی برای پایش وضعیت محیط‌زیست در منطقه را مطرح کرده است (طرح تفصیلی منطقه ۲۱، ۱۳۸۴).

چشم‌انداز طرح تفصیلی بر ساماندهی فضایی منطقه و تغییرات کوچک تأکید دارد. این چشم‌انداز به‌صورتی واقع‌بینانه امکان تحولات بزرگ در منطقه را ناممکن می‌بیند و در نظر دارد تا تغییرات را مدیریت کرده و به آنها جهت‌دهی مناسبی در راستای اهداف برنامه‌ریزی بدهد. همچنین چشم‌انداز بر حفظ اراضی طبیعی حوزه کن تأکید کرده است و تقویت مدیریت شهری در محدوده منطقه ۲۱ را خواستار شده است. همچنین این چشم‌انداز امکان تبدیل شدن برخی اراضی نظامی به محوطه‌های مسکونی را مطرح کرده است. این چشم‌انداز فرض را بر افزایش نیروی اشتغال ماهر و متخصص در منطقه گذاشته است. این چشم‌انداز منطقه ۲۱ را دروازه غربی تهران دانسته است و از نظر فضایی بر حفظ اراضی باز و مدیریت حجم ساخت‌وساز در منطقه تأکید دارد (طرح تفصیلی منطقه ۲۱، ۱۳۸۴).

برطبق جدول فوق، نرخ رشد جمعیت منطقه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ منفی بوده است و بعد از آن افزایش یافته است.

از مجموع ۹۰ برنامه تهران‌گردی که از تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۹ تا ۱۳۹۵/۱۲/۲۰، در روزهای جمعه انجام شد (به‌استثنای کتاب‌گردی‌های روزهای پنجشنبه)، یک برنامه کامل به بازدید از منطقه بیست‌ویک اختصاص یافت.

در این برنامه، از نقاط مختلف منطقه بیست‌ویک بازدید به‌عمل آمد و با برخی از ساکنان آن، پیرامون شهر و منطقه گفت‌وگو شد. پس از این بازدیدها، نظرات مردم درباره مسائل مورد بحث، در مجموعه شورای‌شهر و گروه‌های کارشناسی مختلف شورا ارائه شد. گفتنی است به‌دلیل اهمیت مسائل و مشکلات منطقه و همچنین ضرورت مشاهده آنها از نزدیک، در برخی از این بازدیدها، مسئولان دستگاه‌های دیگر همچون مدیران سازمان هلال‌احمر، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد شهر تهران، مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران، مدیرکل حوزه وزارتی سازمان میراث فرهنگی، معاون برنامه‌ریزی سازمان زیباسازی، به‌همراه شهردار منطقه و معاونان ایشان، نگارنده را همراهی می‌کردند.

وضعیت جمعیتی شهر تهران و منطقه ۲۱ و نرخ رشد
منبع:اطلس تهران ۸۵ و سالنامه‌های تهران ۹۱ و ۹۶

سال	شهر تهران		منطقه ۲۱	
	شمار جمعیت	نرخ رشد (درصد)	شمار جمعیت	نرخ رشد (درصد)
۱۳۵۵	۴۵۳۰۲۲۳	-	-	-
۱۳۶۵	۶۰۵۸۲۰۷	۹۵.۲	۱۸۸۸۹۰	-
۱۳۷۵	۶۷۵۸۸۴۸	۱۰.۱	۲۱۶۹۷۰	۴.۱
۱۳۸۵	۷۸۱۲۰۶۷	۲۶.۱	۱۵۷۹۳۹	-۲.۳
۱۳۹۰	۸۱۵۴۰۵۱	۸۴.۰	۱۶۲۶۸۱	-۲۸.۰
۱۳۹۵	۸۶۷۹۹۳۶	۵.۱	۱۸۶۳۱۹	۸.۲

منطقه ۲۲
گرمخانه بانوان آفتاب نیلوفری یا چیتگر (ظرفیت با کف خواب ۱۵۰ نفر):
آزادراه تهران- کرج، جنب مترو ایران‌خودرو.

منطقه ۹
گرمخانه آقایان، امید (ظرفیت با کف خواب ۱۵۰ نفر):
بزرگراه فتح، پس از پل شیر پاستوریزه، جنب پل کن، خیابان فتح ۲۹/۱.

منطقه ۲۱
گرمخانه آقایان، شهرک استقلال (ظرفیت ۱۵۰ نفر):
شهرک استقلال، خیابان عبیدی، خیابان جلالی، انتهای بلوار عرفانی.

منطقه ۵
گرمخانه بانوان، یلدا (ظرفیت ۵۰ نفر):
بزرگراه شهید اشرفی اصفهانی، خیابان نفت هفدهم، خیابان قدس، پلاک ۹.
گرمخانه آقایان، مهر (ظرفیت ۹۰ نفر):
دره فرحزاد، شهرک نفت.

طرح سراسری «مددکار شهر» در محله‌های شهر تهران در حال اجراست

ایستاده در خط مقدم کاهش آسیب‌ها

سحر جعفریان

روزکاری مشخصی ندارد. حتی جمعه‌ها و روزهای تعطیل هم مشغول کار است. هر ساعتی از شبانه‌روز، تلفن همراهش زنگ می‌خورد و او نیز به گرمی پاسخگو است. تماس‌های تلفنی که اغلب صداهایی خسته و نالان از آن سوی خط ارتباطی، مستاصل کمک می‌خواهند. یا در راه ماندگانی هستند در پی جای اسکان یا کودکان بی‌سرپرستی که از خشونت گریزانند. کسب و کارش در کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خلاصه می‌شود تا شهر و محله‌ها در کنار فراهم آمدن سایر امکانات به محیطی زیست‌پذیرتر تبدیل شوند. آری؛ آنها «مددکاران اجتماعی» هستند که با توسعه شهرنشینی در صف مقدم رفع آسیب‌ها، شجاعانه و دلسوزانه فعالیت می‌کنند. حتی آن زمان که خانواده‌های آسیب دیده ناامید شده‌اند یا حتی زمانی که خود فرد آسیب دیده به آخر خط رسیده است و میل به بازگشت ندارد. در این گزارش، ضمن روایت صحنه‌هایی از آسیب‌هایی که در غرب پایتخت دیده می‌شود به گفت‌وگو با برگزیدگان طرح «مددکار شهر» در این محدوده پرداخته‌ایم.

بنویس «زباله‌گرد»، بخوان «آسیب»

کوچه‌پسکوچه‌های محله کن را یکی پس از دیگری پیاده می‌رود تا سطل‌های زباله را از پسماندهای قابل تفکیک خالی کند. ۸ ماهی است که کارش همین است. با آن جثه لاغر و نحیف باید کیسه‌های بزرگ پسماند را کیلومترها جابه‌جا کند تا به محل قرار برسد. همانجایی که پسماندها را فردی به اسم «ارباب» که او هم از اتباع «افغانستانی» است، پس از بررسی، به قیمت ناچیزی بخرد. گاهی سوار وانت نیسان ارباب می‌شود و به کارگاه غیرمجازی (گود زباله‌گردها) در حاشیه جنوبی پایتخت می‌رود. آنجا که کودکان همسن و سالش هر روز از ساعت ۴ تا ۱۲ مشغول تفکیک زباله می‌شوند؛ آن هم بدون تجهیزات لازم بهداشتی. اغلب یا دست‌هایش زخمی است یا سردردهای طولانی مدت دارد. برای بیش از ۲۰ کودک زباله‌گرد در آن گود، یک سرویس بهداشتی و یک دوش شکسته حمام وجود دارد. جای خوابشان نیز با کمی فاصله نزدیک کپه‌های زباله است. یکبار زخم دستش عفونت کرد. آنقدر که سیاهی عفونت از انگشت به مچ دستش رسیده بود. مسئول کارگاه هرچند ساعت یک‌بار، تنها قرص مسکن به او می‌داد. تا اینکه بالاخره درد، امانش را بُرید. به کمک مددکار اجتماعی راهی بیمارستان شد و با هفته‌ها درمان، سلامتی‌اش را بازگرداند.

راحت و امن مانند خانه!

نفسی برایش نمانده است. چشمانش از خماری، مدام سنگین و بسته می‌شود. پس از هرچند قدمی که به سختی برمی‌دارد بر زمین می‌افتد. می‌خواهد به گرمخانه «چیتگر» در منطقه ۲۲ برسد. جایی امن برای بانوان آسیب دیده. این را از کارتن‌خواب‌های زیر پل «تواب» شنیده بود. دیگر خسته شده است و دلش می‌خواهد به گرمخانه برسد. جایی که همان کارتن‌خواب‌ها می‌گفتند مانند «خانه» است؛ راحت و امن. چند سال ندیدن پسر خردسالش و دربه‌دری موادمخدر جانی برایش نگذاشته. می‌خواهد به گرمخانه برسد و آرزوی بر «تشک» خوابیدن را پس از سال‌ها تجربه کند. می‌خواهد برسد آنجا و یه دل سیر غذا بخورد. می‌خواهد یک شب را بدون ترس به صبح برساند. راه طولانی است و پولی برای رفتن ندارد. آخرین اسکناس‌های ۵ هزار تومانی را همین چند دقیقه پیش، دود کرد! گوشه‌ای از پیاده‌رو خمیده می‌نشیند. پاهایش از عوارض سوءمصرف، حسابی ورم کرده است. عابران اغلب بی‌تفاوت می‌گذرند و برخی در اوج‌ترحم، تنها نیم نگاهی تأسف‌آور به او می‌اندازند. دستش را سوی یکی از عابران دراز می‌کند و می‌گوید: «به خدا پول نمی‌خوام. فقط جون بچه هات یه زنگ به ۱۳۷ بزن و نشانی اینجا رو بده تا بیان منو ببرن؛ همین. پول نمی‌خوام اصلا.» عابر متعجب نگاه می‌کند. درماندگی و استیصالِ زن را که می‌بیند، با شماره ۱۳۷ تماس می‌گیرد. دقایقی بعد، چند مددکار در نشانی حاضر می‌شوند.

مسافران آسیب دیده

از اتوبوس که پیاده می‌شود با دیدن آن همه جمعیت شتاب‌زده و شلوغی پایانه مسافربری آزادی، برای یک لحظه، ترس و پشیمانی از فرار به جانش می‌نشیند. اما دیگر فایده‌ای ندارد. چون تاکنون بی‌شک همه روستا از فرارش باخبر شده‌اند و پدرش هم عصبانی و ناراحت از این بی‌آبرویی، دنبالش می‌گردد. کیفش را محکم می‌گیرد. آرام به سمت نیمکتی قدم برمی‌دارد تا چند دقیقه‌ای را خوب فکر کند. باید کار و جای خواب پیدا کند. اما مگر می‌شود به این سرعت اتفاق بیفتد. دوباره پشیمانی سراغش می‌آید. چشمانش‌تر می‌شود. دلش می‌خواهد مادرش زنده بود، اما نیست. سال‌ها است که همدم و هم‌صحبتی ندارد. به اطراف نگاهی می‌اندازد. مسافران با عجله از کنارش عبور می‌کنند. از بعضی از نگاه‌ها می‌ترسد. برای همین سرش را پایین می‌اندازد. اکنون، گرسنگی و تشنگی هم به همه احساس‌های بَد دیگری که دارد، اضافه می‌شود. ساعت‌ها می‌گذرد و او همچنان سردرگم و غمگین، بر روی نیمکت نشسته است. این فکر که نه راه پیش دارد، نه راه پس، آزارش می‌دهد. نگاه‌های اطراف، بر روی او سنگین‌تر می‌شود. ناگهان بانویی با چهره‌ای مهربان و قابل اعتماد، کنارش می‌نشیند و می‌گوید: «سلام. از من نترس. مددکار هستم و می‌خوام کمکت کنم تا بهترین تصمیم را بگیری.» شنیدن همین چند جمله کافی بود تا دختر، اشک‌هایش بی‌وقفه سرازیر شود و در آغوش مددکار جای گیرد.

سعید شرف دوست، معاون حمایت‌های اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران:

اعتیاد و کودکان‌کار مهم‌ترین آسیب‌های پایتخت است

از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی شهر تهران که مددکاران اجتماعی باید به‌صورت ویژه به آنها بپردازند، «اعتیاد» و «کودکان کار و زباله‌گرد» است. «سعید شرف دوست»، معاون حمایت‌های اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، با بیان این مطلب ادامه می‌دهد: «حدود ۳۰۰ «گود» و «حصار زباله‌گردی» در حومه تهران شناسایی شده است که به‌صورت پراکنده در حاشیه مناطق ۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰ و ۲۲ قرار گرفته‌اند. ۹۹درصد کودکان زباله‌گرد در این گودها، افغانستانی هستند که در وضعیت نامناسب بهداشتی، فرهنگی و معیشتی نگهداری می‌شوند. این در حالی است که گروه‌های سازمان با مشارکت انجمن‌های مردم‌نهاد به کمک‌رسانی و رسیدگی به وضعیت این کودکان می‌پردازند. رسیدگی‌های اصولی و به دور از برخوردهای قهری که شامل حمایت‌های مادی و معنوی می‌شوند.» شرف دوست هم‌چنین درباره آسیب اعتیاد می‌گوید: «طرح مددکار شهر، یکی از رویکردهای اصلی‌اش به آسیب خانمانسوز اعتیاد بر می‌گردد. در این طرح تلاش داشته‌ایم تا تجربه و دانستنی‌های سازنده مددکاران مناطق را به اشتراک بگذاریم و با این اشتراک‌گذاری و برگزیدن مددکاران برتر به کاهش آمار اعتیاد و افزایش آگاهی شهروندان، نسبت به آن برسیم. در کنار این موارد، ایجاد فضای سالم برای الگوبرداری و رقابت‌های پویا بین مددکاران مجموعه که هریک به راستی با تمام توان به خدمت مشغول هستند نیز مدنظر بوده است. استقبال از این طرح سبب شده است تا سال آینده آن را در قالب جشنواره‌ای شهری برگزار و دنبال کنیم.»

مَهزاد دُری، مدیر بزرگ‌ترین گرمخانه بانوان «آفتاب نیلوفری» منطقه ۲۲ و مددکار برتر:

آسیب‌ها در تهران باید با دقت و تخصص پیگیری شوند

مددکار باید سنگ صبور باشد. این را «مهزاددُری»، مدیر بزرگ‌ترین گرمخانه بانوان «چیتگر» یا «آفتاب نیلوفری» در منطقه ۲۲ و یکی از مددکاران برتر محدوده غرب پایتخت می‌گوید. کارشناس ارشد رشته «مشاوره» است و ۱۳ سال سابقه اشتغال در حوزه مددکاری و مشاوره دارد. فعالیت‌های تخصصی و دلسوزانه او سبب شده است تا به طرح «مددکار شهر» دست یابد. دری در ادامه از سال‌ها تجربه رویارویی با آسیب‌های اجتماعی می‌گوید: «این حرفه را با عشق و علاقه انتخاب کردم. به یادم دارم هنگامی که کودک بودم و از من می‌پرسیدند می‌خواهی چکاره شوی، می‌گفتم یک آدم خوب و مفید! از سوی خانواده و به‌ویژه پدرم مخالفت‌هایی برای تحصیل و اشتغال در این رشته بود اما زمانی که علاقه و اصرارهای من را دیدند، موافقت خود را اعلام کردند. مخالفتشان را درک می‌کردم. به هر حال آنها هم نگران من بودند. چراکه مددکاری سختی‌های بسیاری دارد؛ از گرفتاری دربند افسردگی گرفته تا احتمال درگیری بیماری‌هایی که در افراد آسیب دیده به‌عنوان مخاطبان اصلی حرفه ما هستند. بیماری‌ها و آسیب‌هایی که هر روز با افزایش جمعیت و تغییر شیوه‌های زندگی، بیشتر می‌شود و ابعاد پیچیده‌ای به خود می‌گیرند. این مسئله در شهری مانند تهران باید با دقت و تخصص بیشتری پیگیری شود.» مهزاد دری که بزرگ‌ترین آسیب را در حال حاضر اعتیاد می‌داند، ادامه می‌دهد: «برای کاهش و به حداقل رساندن آمار اعتیاد باید سازمان‌ها و نهادهای مختلفی پای کار بیایند. از سویی ارائه آموزش‌های لازم و مؤثر به افراد و خانواده‌ها، توانمند کردن آسیب‌دیدگان اجتماعی با هدف اشتغالزایی و ایجاد روحیه و نشاط در آنها، فراهم کردن شرایط ادامه تحصیل و هم‌چنین حمایت‌های معیشتی می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود.» او در پایان می‌افزاید: «کیفیت ارتباط و رابطه‌ام با افراد آسیب دیده بسیار دقیق و اصولی است. به‌گونه‌ای که‌گاه پیش می‌آید تعدادی از آنها گمان می‌کنند من نیز دردِ مصرف را کشیده‌ام که این‌گونه درکشان می‌کنم!»

صلاح‌الدین حلیمی، مددکار برتر منطقه ۵:

تاب‌آوری‌های آگاهانه را افزایش می‌دهیم

برای موفقیت در حرفه مددکاری نیاز به عشق و علاقه است. اگر پای عشق و علاقه در میان نباشد، بیشتر از چند روز نمی‌توان در این حرفه دوام آورد. «صلاح‌الدین حلیمی»، مددکار برتر منطقه ۵ که کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی نیز است، با بیان این مطلب می‌گوید: «اینکه هم‌صحبت با مددجویانی باشیم که سال‌ها تخریب انواع آسیب، منطق آنها را به حداقل رسانده است و پیگیر مشکلاتشان باشیم، به‌رغم همه مشکلاتی که خودمان مانند همه مردم در زندگی‌مان داریم، یعنی عشق. این میان باید با دستاوردهای جهانی این حوزه نیز هماهنگ باشیم تا بهترین نوع رفتار و شیوه کاهش آسیب‌ها را به کار بگیریم. نکته مهم دیگر این است که با آموزش اولیه، ثانویه و ثالث «تاب‌آوری»، هم افراد آسیب دیده و هم خانواده‌هایشان را ارتقا ببخشیم. البته تاب‌آوری که از روی آگاهی باشد. برای مثال، بسیاری از خانواده‌ها هنوز به درستی نمی‌دانند تشویق و تنبیه متناسب با رفتار فرزندشان، کدام‌ها هستند. این خود مهم‌ترین عامل در گرایش افراد به آسیب‌ها و جرائم است. از سویی دیگر، این آموزش‌های تخصصی رفتاری به تحصیلات و مراتب اقتصادی خانواده‌ها ارتباطی ندارد. ما در گرمخانه، کارتن‌خوابی را داشتیم که پزشک بود، اما گرفتار اعتیاد شده بود. کارتن‌خوابی را داشتیم که سرمایه‌دار بود اما اعتیاد همه چیزش را گرفته بود. طیف گسترده مددجویان باز هم بر سختی کار ما می‌افزاید.» حلیمی در پاسخ به این پرسش که بهترین خاطره دوران کاری‌اش چیست، می‌گوید: «سال ۱۳۹۶ مددکار یکی از مراکز ترک اعتیاد ماده ۱۶ (ویژه معتادان متجاهری که با دستور قضایی و ناجا جمع‌آوری می‌شوند) بودم که با مددجوی آرام و جوانی آشنا شدم. پس از مدتی متوجه شدم که خانواده‌اش نزدیک به ۱۰ سال می‌شود که از او بی‌خبر هستند. دوره درمانی- روان‌شناسی و بازپروری را با او تا جایی پیش بردم که راضی به برقراری ارتباط با خانواده‌اش شود. خانواده‌ای که برای او مجلس ختم نیز گرفته بودند! زمانی که با خانواده‌اش تماس گرفتم، اصلاً باورشان نمی‌شد که پسر کوچکشان زنده باشد! پدر، مادر، برادرها و خواهرها همگی از سمنان راه افتادند و به تهران آمدند. لحظه رویارویی‌شان را هرگز فراموش نمی‌کنم. هم شادی بود و هم غم اینکه چگونه یک آسیب می‌تواند خانواده‌ای را از هم گسسته کند.»

با اجرای طرح متفاوتی در ایستگاه‌های مترو منطقه ۲۲ ترافیک معابر کاهش می‌یابد

پیش به سوی حمل‌ونقل عمومی

ثریا روزبهانی

رفع گره‌های کور ترافیکی، آلودگی هوا و کاهش صداهای ناهنجار ناشی از ازدحام خودرو، همه و همه مشکلاتی است که شهروندان در کلانشهر تهران به‌ویژه در مناطق غربی شهر به دلیل وجود بزرگراه‌های شریانی و ترافیکی خواستار رفع آنها هستند. چند سالی است که مدیران شهری، «TOD» یا همان «توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی» را به‌عنوان راهکاری برای برطرف شدن این مشکلات و دیگر دردسرهای این شهر بزرگ معرفی کرده‌اند. حتی در برنامه‌های شهردار تهران و سند پنج ساله شهرداری نیز بر اجرای این طرح تأکید شده است. اکنون باتوجه به احداث خط۱۰ مترو در منطقه۲۲، مسئولان شهری در کنار این اقدام‌درصدد هستند تا این طرح را در اغلب ایستگاه‌هایی که قرار است در این منطقه راه‌اندازی شوند، اجرایی کنند. به همین بهانه به سراغ «سید فرهاد خدابخشی»، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری منطقه رفتیم تا با این طرح بیشتر آشنا و از ضرورت اجرای آن در منطقه مطلع شویم.

کارگاه عمرانی طرح خط ۱۰ مترو

حمل‌ونقل عمومی ضعیف است

«قادر جلیلی» دبیر کارگروه حمل‌ونقل و ترافیک شورایاری منطقه۲۲ وضعیت حمل‌ونقل عمومی را در این منطقه بسیار ضعیف عنوان می‌کند و درباره مشکلاتی که اهالی با آن روبه‌رو هستند، می‌گوید: «در این منطقه وسایل نقلیه شخصی حرف اول را می‌زنند و اهالی برای جابه‌جایی و ترددهای درون‌شهری مجبورند که از وسایل نقلیه خود استفاده کنند. همچنین دسترسی شهروندانی که در شهرک‌های اطراف بزرگراه ساکن هستند در مقایسه با ساکنان بافت اصلی منطقه مانند دریاچه یا خیابان امیرکبیر محدودتر است. اکنون حدود۴۰ دستگاه اتوبوس در ۱۰ خط منطقه را پوشش می‌دهند. با ۴۰ دستگاه نمی‌توان یک منطقه وسیع مانند ۲۲ را اداره کرد. اگر این تعداد اتوبوس را در این تعداد خطوط تقسیم کنید می‌بینید برای هر خط حدود ۴دستگاه اتوبوس در نظر گرفته شده است. اغلب این اتوبوس‌ها اسقاطی و نیاز به تعمیر دارند به همین خاطر در ساعات مختلف روز تعداد آنها به حداقل می‌رسد. چون برخی از آنها برای تعمیرات یا کارواش یا سرویسدهی و غیره از خط خارج می‌شوند.»

قادر جلیلی
دبیر کارگروه حمل‌ونقل و ترافیک شورایاری منطقه ۲۲

توسعه شهری و کاهش معضلات حمل‌ونقلی

مدیران برنامه‌ریز شهری باور دارند TOD نه تنها مشکلات ترافیکی را رفع می‌کند، بلکه دستاوردهای بلند و کوتاه‌مدت بی‌شماری دارد.

معاون حمل‌ونقل و ترافیک منطقه ۲۲ درباره اجرای این طرح و دستاوردهای گوناگون آن می‌گوید: «اجرای طرح توسعه شهر که برمبنا و رویکرد حمل‌ونقل‌عمومی است، افزایش ایمنی تردد عابران، افزایش امنیت تردد، پایین آمدن هزینه‌های خانوار ناشی از حمل‌ونقل، توازن بخشی به توسعه‌های شهری، متعادل‌کننده نظام کاربری، ترویج پیاده مداری و... را با خود به دنبال خواهد دارد. باید به این موضوع توجه داشت که معضل ترافیک را نمی‌توان با راه‌حل‌های پلیسی همچون بهینه‌سازی و زمان‌بندی چراغ‌ها، افزایش سطح معابر، احداث پل و تونل، پیوسته ترافیکی طرح‌ها و پروژه‌ها و... تمام و کمال حل کرد. بر همین اساس باید به دنبال راه‌حل بنیادین بود که تردد خودروها و استفاده از آنها را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و راهی بیابیم تا نیاز به خودرو شخصی را از سفرهای شهری کاهش دهیم. واقعیت این است که با اجرای TOD می‌توان بدون هزینه‌ای خاص، تنها با اصلاحات زیربنایی، شهر را از خودروها پس گرفت و زمینه تقویت جامعه محلی و رونق دهی به اقتصاد شهری را فراهم کرد. با اجرای این طرح خود به خود از حجم ترافیکی منطقه کاسته خواهد شد. یعنی حمل‌ونقل عمومی نبض منطقه را در دست می‌گیرد و جایگزین خودروهای شخصی می‌شود. در این طرح دسترسی درونی به آنها تا شعاع ۵۰۰ متری عمدتاً پیاده یا با استفاده از دوچرخه است و دسترسی خارجی آنها با شعاع هزار متری عمدتاً با وسایل حمل‌ونقل عمومی صورت می‌گیرد.»

تدابیر برای افزایش بارگذاری‌های آینده

باتوجه به اینکه اغلب واحدهای مسکونی این منطقه هنوز بارگذاری جمعیت در آن صورت نگرفته و از سوی دیگر برج‌ها و مجتمع‌های مسکونی در این منطقه از هم پراکنده است و در محدوده مشخصی تمرکز ندارند. به همین خاطر متأسفانه در شرایط کنونی، شبکه حمل‌ونقل عمومی منطقه جوابگوی نیاز اهالی نیست، اما در صورت اجرای TOD توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی، به مطالبات حمل و نقلی اهالی پاسخ داده می‌شود. خدابخشی در ادامه به پیشرفت این طرح در منطقه اشاره می‌کند و درباره تعداد ایستگاه‌های tod می‌گوید: «عملیات حفاری در محدوده منطقه از میدان «دریاچه» در منطقه۲۲ تا میدان «کتاب» در منطقه۲ در حال اجرا است. از آنجایی که مطالعات طرح تفصیلی منطقه TOD محور بود، بر همین مبنا هم در این خط ۵ ایستگاه برای قابلیت داشتن TOD به شورا معرفی شده است. ایستگاه‌های «دریاچه»، «وردآورد»، «دانشگاه علامه طباطبایی» و میدان «آتریش» از جمله این ایستگاه‌ها است. اولویت اجرای این طرح در محدوده‌ای است که واحدهای مسکونی و تجاری متراکم با جمعیت انبوه دارد تا بتواند تعداد جمعیت بیشتری را پوشش بدهد. اما این اطمینان را می‌دهد که همه ساکنان منطقه به سیستم حمل‌ونقل عمومی با کیفیت دسترسی داشته باشند.»

سید فرهاد خدابخشی
معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری

راه‌اندازی خیابان کامل در منطقه ۲۲

خدابخشی درباره مراحل اجرای این طرح توضیحات بیشتری ارائه می‌دهد و می‌گوید: «این طرح برای ایستگاه‌های در حال ساخت، توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی شامل بزرگراه‌های مستقر (معابر جمع‌کننده) در زون را برای ۳ مد حمل‌ونقلی (عمومی، سواره و دوچرخه)و معابر شریانی را برای هر ۴ مد حمل‌ونقلی یعنی پیاده، دوچرخه، حمل‌ونقل عمومی و سواره و معابر دسترسی را برای مد پیاده، دوچرخه و سواره باز طراحی می‌کنیم که در اصطلاح به این معابر «خیابان کامل» می‌گویند. یعنی اینکه خیابانی برای استفاده همه مدل‌های حمل‌ونقلی ایجاد شده است. البته در منطقه ۲۲ در سال گذشته این اتفاق در یکی از محدوده‌های منطقه انجام شد و مورد استقبال مسئولان و اهالی قرا گرفت. همچنین در این طرح باید وسایل حمل‌ونقل عمومی در فاصله‌ای کوتاه قرار بگیرند و دسترسی افراد پیاده به آن میسر باشد. در حقیقت کاربران اصلی TOD عابران پیاده هستند.»

خط ۱۰ مترو و نقاط قوت آن برای اهالی

خط ۱۰ مترو به طول ۴۳ کیلومتر از پایانه «وردآورد» تا محله «قنات کوثر» در منطقه ۴ امتداد دارد. در واقع این خط، شمالی‌ترین خط مترو شهر تهران است و شرق به غرب تهران را از ناحیه شمال به همدیگر متصل می‌کند. در این خط ۷ نقطه تبادلی با خط‌های ۱، ۳، ۵، ۶ و ۷ وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود در ساعات اوج، حدود ۵۰ هزار مسافر از خط استفاده کنند. ۸ ایستگاه از ایستگاه‌های این خط عبوری هستند و مسیر این خط از میدان دریاچه تا میدان کتاب در منطقه۲۲، ۱۴ و نیم کیلومتر طول و از بخش میدان دریاچه تا پایانه وردآورد ۶ کیلومتر طول دارد است. در مجموع این خط از پایانه وردآورد تا میدان کتاب، ۲۹ و نیم کیلومتر است. در برنامه‌ها پیش‌بینی شده است تا ۴ سال آینده ۵ ایستگاه در این خط به بهره‌برداری برسد. یکی از خطوطی که در این ۴ سال به بهره‌برداری می‌رسد، ایستگاه تبادلی خط ۵ با خط ۱۰ در منطقه ۲۲ و در محدوده وردآورد است. همچنین ایستگاه‌های میدان دریاچه و میدان آتریش، ۲ ایستگاه دیگر است. در واقع ۳ ایستگاه از ۵ ایستگاهی که تا ۴ سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد، در منطقه ۲۲ قرار دارد. ۲ ایستگاه دیگر نیز در منطقه ۵ با عنوان ایستگاه «کوهسار»، ایستگاه منطقه ۲۲ که ایستگاه تبادلی با خط ۷ است. از جمله نقاط قوت این خط می‌توان به بسیاری نقاط تبادلی این خط با سایر خطوط اشاره کرد. به همین دلیل مسافران دسترسی بیشتری به نقاط مختلف شهر دارند. می‌توان گفت این خط با همه خطوط شمالی، جنوبی، شرقی و غربی مترو نقاط تبادلی دارد.

نگرانی معتمدان از آتش‌سوزی‌های اخیر در برخی از انبارها و مراکز صنعتی منطقه

دیوار به دیوار خطر

مهدی اسماعیل‌پور

یکی از مشکلاتی که اهالی منطقه ۲۱ سال‌ها است با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، همجواری محله‌ها با کارخانه‌ها، شرکت‌ها و کارگاه‌ها و همچنین پادگان‌ها و مراکز نظامی است. این همجواری جدا از مشکلات زیست‌محیطی که سبب بروز انواع آلودگی‌ها، آسیب‌ها و مزاحمت‌های آب و هوایی و صوتی شده است، یک خطر بزرگ و بالقوه برای بافت مسکونی و مردم نیز محسوب می‌شود. نگرانی مردم از حوادثی مانند آتش‌سوزی که در ماه‌های اخیر شاهد بروز آن در چند نقطه منطقه بوده‌ایم. به هر حال ممکن است دامنه این حوادث، محله‌ها و شهرک‌های محصور شده بین صنایع را هم فرا بگیرد. یا در صورت زلزله بحران جدی برای ساکنان این محله‌ها به وجود بیاید. در این گزارش به نگرانی شهروندان از حوادث آتش‌سوزی‌های اخیر پرداخته‌ایم و خطرات احتمالی را بررسی کرده‌ایم.

عصر روز دوشنبه، چهاردهم تیرماه بود که خبر آتش‌سوزی گسترده در انبار سازمان «اموال تملیکی» واقع در بزرگراه «فتح» نرسیده به خیابان «سپاه اسلام» مخابره شد و آتش‌نشانان و عوامل شهرداری منطقه ۲۱ برای مهار حریق و لکه‌گیری ضایعات آتش‌سوزی وارد عمل شدند. در این حادثه، ۶ سوله بزرگ که محل نگهداری انواع کالاو لوازم خانگی به وسعت ۶۰۰مترمربع بود، در آتش سوخت و تقریباً به‌طور کامل تخریب شد. برای مهار این آتش‌سوزی گسترده، ۶ ایستگاه آتش‌نشانی با تجهیزات کامل وارد صحنه شدند. با توجه به همجواری این انبارها با انبارهای تجهیزات نظامی پادگان، اگر حضور به موقع عوامل آتش‌نشانی نبود، ابعاد حادثه می‌توانست بسیار زیادتر و گسترده‌تر باشد. پیش از آن هم شاهد موارد دیگری مانند حریق در شرکت «بهنوش» در محدوده بزرگراه «شهید لشکری» بودیم. به این موارد، آتش‌سوزی گسترده علف‌های هرز شهرک «آسمان» و آتش‌سوزی چند واحد تجاری از جمله یک مغازه فروش «روغن خودرو» را نیز باید اضافه کرد. مجموع این عوامل سبب نگرانی شهروندان و اهالی منطقه ۲۱ به‌ویژه ساکنان نواحی ۲ و ۳ شده است که اغلب کارخانه‌ها، صنایع و زمین‌های بایر در این محدوده واقع شده‌اند.

درهم تنیدگی بافت مسکونی و صنعتی

«یوسف غیاثوند» از ساکنان قدیمی و معتمدان محله شهرک «استقلال» با اشاره به حوادث و حریق‌های چند ماه اخیر از نگرانی مردم خبر می‌دهد: «متأسفانه در منطقه ۲۱، صنایع و محله‌های مسکونی درهم تنیده شده‌اند و به قول معروف همجواری صنعت و سکونت را داریم. در محله‌ای مانند شهرک استقلال هم که تعداد کارخانه‌ها، صنایع و مراکز نظامی بیشتر است، این نگرانی‌ها تشدید می‌شود. صنایع و پادگان‌های نظامی باید فاصله مناسب و استانداردی از محل‌های مسکونی داشته باشند که متأسفانه این موضوع در بافت شهری منطقه ۲۱ رعایت نشده است. جدا از همه مزاحمت‌ها و آسیب‌هایی که وجود صنایع برای مردم دارند، این نگرانی را هم برای آنها ایجاد کرده‌اند که در صورت بروز حوادثی مانند زلزله و آتش‌سوزی ممکن است محله‌های مسکونی و مردم آسیب ببینند. به هرحال این کارخانه‌ها، شرکت‌ها، انبارها و پادگان‌ها مملو از مواد قابل اشتعال و انفجار است که جای آنها در بافت شهری نزدیک به بافت مسکونی نیست.»

یوسف غیاثوند
شهروند

مشکلات همجواری با صنایع

«روح‌الله‌عظیمی»، دبیر محله وردآورد، هم می‌گوید که حوادث و حریق‌هایی که در ماه‌های اخیر رخ داده موجب نگرانی مردم شده است: «موضوع خطرات و مشکلات همجواری بافت مسکونی با بافت صنعتی و نظامی در منطقه ۲۱ سال‌ها است که مطرح می‌شود و هربار که حادثه‌ای رخ می‌دهد یا زمین لرزه‌ایی می‌شود، این موضوع بر سر زبان‌ها می‌افتد و پس از مدتی دوباره به فراموشی سپرده می‌شود. در چند وقت اخیر هم آتش‌سوزی‌های کوچک و بزرگی که در منطقه رخ داده، مردم را دوباره نگران کرده است. نگرانی که کاملاً به جا است و اگر خدایی ناکرده اتفاق پیش‌بینی نشده‌ای رخ دهد، می‌تواند برای مردم خطرساز باشد. نمی‌دانم بالاخره راه‌حل قطعی برای حل این مشکل وجود دارد و آیا می‌توان بین صنایع و پادگان‌ها با محله‌های مسکونی فاصله استانداردی را ایجاد کرد یا خیر. اگر هم این کار میسر نیست، دست‌کم نظارتی که بر روی آنها وجود دارد تشدید کنند تا شاهد آتش‌سوزی در انبارها و دیگر بخش‌های آنها نباشیم. به هرحال مردم حق دارند که نگران باشند. احتمال حوادثی مانند آتش‌سوزی یا نشت مواد شیمیایی و سمی موضوعی نیست که بتوان به آسانی از کنار گذشت.»

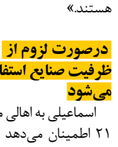

روح‌الله‌عظیمی
دبیر محله وردآورد

خطری شهروندان را تهدید نمی‌کند

«هادی اسماعیلی»، مدیر بحران شهرداری منطقه۲۱، بر این باور است حوادث و آتش‌سوزی‌هایی که طی چند ماه اخیر در برخی از شرکت‌ها، کارخانه‌ها یا انبارهای آنها رخ داده آنقدر زیاد و شدید نبوده است که بخواهد سبب ترس و نگرانی شهروندان شود: «این حوادثی که اتفاق می‌افتند، آنقدر مهم نیستند که مردم را نگران کنند. در این منطقه، شرکت‌ها و کارخانه‌ها معمولا محصور هستند و فاصله مناسبی از بافت مسکونی و خانه‌های مردم دارند. هم‌چنین با توجه به نظارتی که انجام می‌شود اغلب مراکز صنعتی منطقه ۲۱ موارد ایمنی را رعایت می‌کنند و از امکانات و تسهیلات لازم برای مهار آتش‌سوزی برخوردار هستند.»

درصورت لزوم از ظرفیت صنایع استفاده می‌شود

اسماعیلی به اهالی منطقه ۲۱ اطمینان می‌دهد که در صورت رخ دادن حوادثی از این دست و حتی در هنگام بروز بحران‌هایی مانند زلزله، نیروهای امدادی و آتش‌نشانی از آمادگی لازم و امکانات و نیروی کافی برای مهار و کنترل حریق‌های احتمالی برخوردار هستند: «هم‌چنین در منطقه، ۴ ایستگاه آتش‌نشانی وجود دارد که در صورت فوریت در محل حادثه حاضر می‌شوند و از سرایت آتش‌سوزی به نقاط دیگر جلوگیری و حریق را به سرعت اطفای می‌کنند. در مجموع، نیروهای آتش‌نشانی عملکرد و توانایی خوبی در کنترل حوادثی از این دست دارند. در این زمینه با چند کارخانه بزرگ منطقه مانند «ایران‌خودرو» و «سایپا» که جنبه ملی دارند و از امکانات و نیروهای آتش‌نشانی خوبی برخوردار هستند، تفاهمنامه‌هایی را منعقد کرده‌ایم که بر اساس آنها در شرایط بحران به کمک می‌آیند و این‌گونه نیست که آتش‌نشانی در مقابل حوادث و بحران‌ها دست تنها باشد.»

گرمای زیاد هوا دلیل اصلی آتش‌سوزی‌ها

رئیس ستاد بحران منطقه، دلیل اصلی بروز چنین حوادثی را گرم شدن زیاد هوا در این مقطع از سال می‌داند که در سال‌های گذشته هم مسبوق به سابقه بوده است و موضوع جدیدی نیست. هم‌چنین او با توجه به تعداد بالای شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که در منطقه ۲۱ وجود دارد، این تعداد حادثه و حریق پیش آمده را بسیار اندک و ناچیز می‌داند: «تعداد کارخانه‌ها و صنایع در منطقه ۲۱ زیاد است و تقریباً هر سال با گرم شدن هوا حوادثی از این دست اتفاق می‌افتد و حوادث چندماه اخیر موضوع تازه و جدیدی نیست. اغلب صنایع امکانات خوبی دارند و می‌توانند به مشکلاتی از این دست فائق آیند و نگرانی خاصی در این زمینه وجود ندارد.»

محله
مناطق ۲۲ ۲۱ ۹ ۵ ۰ پهنه غربی شهرتهران

● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
● **مدیر مسئول:** نیلوفر قدیری
● **سردبیر:** مهدی علیپور
● **دبیر تحریریه:** زکیه سعیدی
● **تحریریه:** مهدی اسماعیل‌پور/ مریم باقرپور
سمیرا باباجانپور/ ثریا روزبهانی/ سحر جعفریان
فاطمه نصیری‌ها
● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
● **صفحه‌آرایی:** محمدرضا محمدی‌تاش/ علی حسنی / میلاد رفاقتی
فائزه توکلی
● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی/ اعظم آجوربندیان/ فهیمه شیرازی

● **نشانی:** خیابان ولی‌عصر(عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۲۳۰۲۳۴۸۸

آموزش

آتش به خانه‌مان نزنیم!

هفته گذشته، روز تلخی برای ساکنان بلوار «فردوس شرق» رقم خورد. چراکه در حادثه حریق خودرو پارک شده در درون پارکینگ و سرایت آن به سایر خودروها، خسارت سنگینی به آنها و برخی از واحدهای ساختمان۴ طبقه، در این شرایط جامعه، وارد شد. از سویی در این حادثه، ۴ نفر مصدوم شدند. این حادثه به قدری گسترده بود که از ۳ ایستگاه آتش‌نشانی، نیرو به محل حادثه اعزام شد و با استفاده از نردبان، کامیون حمل سیلندرهای اکسیژن و... در نهایت پس از ساعت‌ها آتش مهار شد. ۲ روز بعد، حادثه مشابه دیگری در منطقه رخ داد. در حالی‌که با رعایت برخی رفتارها و شیوه‌ها به آسانی می‌توان این حوادث را کاهش داد. در مطلب زیر «محمد دیبا»، مدیر منطقه یک ایستگاه آتش‌نشانی که در حادثه بلوار فردوس حضور داشت، به برخی از این توصیه‌ها اشاره می‌کند.

■ نخستین اقدام پس از هر حادثه، مشاهده آتش یا استشمام بو سرعت عمل در تماس با آتش‌نشانی است.

■ تا پیش از رسیدن نیروهای امدادی، بلادرنگ کودکان، بانوان و افراد مسن را از ساختمان و محل دور کنید.

■ ساختمان‌ها و به‌ویژه در پارکینگ‌ها و راهروها (برای برج‌های چند واحدی) باید کپسول اطفای حریق و چند سطل شن برای بروز حوادث احتمالی وجود داشته باشد. چون در گرمای هوا حتی نشت چند قطره بنزین هم می‌تواند حادثه‌ساز باشد.

■ ریختن آب بر روی حریق بنزین و برق، بزرگ‌ترین اشتباه است.

■ حفظ خونسردی افراد و دقت در تخلیه سبب می‌شود تا شاهد حوادث جرحی نباشیم. البته باید دقت کرد که در زمان بروز حادثه مانند آتش‌سوزی هر چند کوچک، از آسانسور به دلیل قطعی برق نباید استفاده کرد و برای خروج هم در راه پله‌ها عجله‌ای نداشت.

مسابقه شهروندی

هم بشناسید و هم جایزه بگیرید

اداره آموزش‌های شهروندی منطقه ۵، هر هفته مسابقه‌ای ویژه کودکان و نوجوانان برگزار می‌کند. در این مسابقه یکی از مراکز گردشگری و هویتی منطقه معرفی و در ادامه سؤالی مطرح می‌شود. به افرادی که پاسخ درست داده باشند به قید قرعه جوایزی اهدا می‌شود. مسابقه شماره ۲۳ هم درباره موزه پول (تماشاگه زمان) است. علاقه‌مندان پس از مطالعه معرفی موزه می‌توانند پاسخ سؤال را به شماره ۰۹۱۲۹۲۳۵۸۱۳ با ذکر مشخصات ارسال کنند.

معرفی موزه: نخستین موزه تخصصی و البته دائمی «اسکناس و سکه» در ایران موزه «پول» است. مکانی که می‌توان سیر تکاملی سکه و پول کاغذی در ایران را در آن دید. این مجموعه شامل ۱۴۰۰ سکه، ۷۵۰ اسکناس و تعداد ۲۰۰ قطعه اشیای موزه‌ای غیر از سکه و اسکناس است. این اشیاء در یک ساختمان به مساحت ۷۰۰مترمربع نگهداری می‌شوند و دارای بخش‌های متعددی مانند بخش دوران قبل از پیدایش پول، بخش مربوط به تاریخ سکه و قسمت‌های مربوط به تاریخ اسکناس است. ویترین‌های هر بخش نیز متناسب با همان دوران از تاریخ ساخته شده است و این احساس در شما ایجاد می‌شود که در تاریخ قدم می‌زنید. این موزه در مجموعه تفریحی «ارم» واقع شده است.

سؤال مسابقه: در چه سالی موزه پول به مجموعه ارم انتقال یافت و مکان پیشین موزه در کجا بود؟

هویت

مریم باقرپور

محله «نفت» چگونه شکل گرفت؟

محله «نفت» در ناحیه ۳ منطقه ۵ قرار دارد و از شرق به رودخانه فرحزاد، از غرب به خیابان معین، از جنوب به جاده فرحزاد و سیمون بولیوار و از شمال به حریم شمالی منطقه ۵ و کوه‌های اطراف منتهی می‌شود. در اصل شهرک نفت در یکی از بالاترین نقاط تهران واقع شده، اما موقعیت مکانی آن به‌گونه‌ای است که به دلیل تلاقی با شریان‌های اصلی شهر، امکان تردد در تمامی مناطق تهران در کمترین زمان و با کمترین اتلاف وقت در اوج ساعات ترافیک امکان‌پذیر است. بخش بزرگی از محدوده محله نفت را شهرک نفت تشکیل می‌دهد که در ۸ فاز طراحی شده است. زمین‌های این شهرک از سال ۱۳۵۲ از سوی شرکت نفت که مالک آن بوده، به افراد فروخته شده است و از سال ۱۳۷۰ در نخستین فاز از فازهای هشتگانه شهرک، ساخت‌وسازهای ساختمان‌های مسکونی آن آغاز و به متقاضیان سکونت در شهرک فروخته شد. در نتیجه، تولد این محله با ۱۵ پروژه آپارتمانی در سال ۱۳۷۱ اتفاق افتاد. اما به سرعت رشد کرد و اکنون جمعیت آن با حاشیه دره فرحزاد، برج «سبلان» و کوی «فرهنگیان» به بیش از ۵۰ هزار نفر می‌رسد. با گذر زمان هم به فضاهای تجاری، فرهنگی و مذهبی و... درمحدوده مرکزی شهرک اضافه شد. در محله شهرک نفت خیابان‌های مهمی وجود دارند که می‌توان به خیابان‌های آبشار، یادگار امام(ره)، چمران، هاشمی، اشرفی اصفهانی، یاس، فرحزاد، معین، چهاردیواری، فکوری، البرز، کوهسار و اقبال‌پور اشاره کرد.

گردشگری

صعود به قله «بازارک» شهرستانک

«بازارک» قله‌ای با ارتفاع ۳۷۵۰متر در خط الراس توچال به شهرستانک قرار دارد و با قله‌های شاه‌نشین در جنوب و «لوارک» در شمال همسایه است. برای صعود به بازارک از ۲ مسیر «امامزاده داود»(ع) و روستای «شهرستانک» می‌توان استفاده کرد. البته صعود از امامزاده داود(ع) شیب تند و مسیر کوتاه دارد و صعود از شهرستانک با شیب ملایم و مسیر به نسبت بلندتر همراه است. بنابراین برای افراد نیمه حرفه‌ای مسیر شهرستانک مناسب‌تر خواهد بود. برای طی مسیر باید پس از رسیدن به دوراهی شهرستانک در سمت راست وارد جاده آسفالته شهرستانک شد. شهرستانک به دلیل وجود قلعه ییلاقی «ناصرالدین شاه قاجار»، معروف است و یک چشمه پر آب هم در بالای روستا قرار دارد. سپس باید از جاده خاکی که با تابلوی «قصرناصری» مشخص شده است، ادامه مسیر داد. تا این مرحله امکان استفاده از خودرو وجود دارد اما پس از آن را باید پیاده طی کرد و بعد از گذشتن از بالای روستا به طرف پاکوبی که شهرستانک را به توچال می‌رساند، ادامه مسیر داد تا به چشمه رسید. معمولاً درکنار چشمه، مکانی به‌عنوان «گوسفند سرا» وجود دارد که می‌توان در آنجا استراحت کرد و سپس با عبور از دشت وسیعی به سوی غرب به یال قله رسید. رسیدن به قله معمولاً بیش از ۶ ساعت به طول می‌انجامد.

احمد سعیدی/ عضو تیم باشگاه کوهنوردی شقایق

شهروند خبرنگار

تخریب جدول برای رفع بوی بد

منطقه ۵

به تازگی عملیات تخریب جدول و جوی آب در محدوده خیابان رامین جنوبی تا گلستان جنوبی آغاز شده است که جای تشکر دارد. چون در این محدوده از منطقه ۵ به دلیل وجود رستوران‌ها و مغازه‌ها، تردد زیاد است اما رهگذران و شهروندان همواره با بوی بدی مواجه می‌شدند. دلیل این موضوع هم وجود زباله و راکد ماندن آب در جوی‌ها بود که امیدواریم این مشکل با تخریب جدول‌ها و جوی‌ها برطرف شود.

ایمان کاشانی_ خیابان رامین جنوبی

مخازن زباله کم است

منطقه ۹

خیابان هاشمی یکی از معابر پر تردد منطقه ۹ است و به دلیل وجود کسب و کارهای مختلف معمولاً زباله بیشتری در آنجا تولید می‌شود و تعداد مخازن برای ریختن زباله بسیار کم است. از سویی برخی از مخازن با گذر زمان آسیب دیده یا شکسته‌اند که شیرابه‌های زباله‌هایشان به خیابان سرریز می‌شوند و علاوه بر بوی بد، چهره زشتی نیز در این معبر ایجاد می‌کنند.

علی محمودی_ ساکن هاشمی

دردسرهای نبود اتوبوس

منطقه ۲۱

اتوبوس‌های پایانه آزادی_ وردآورد، خیلی دیر به دیر در ایستگاه حاضر می‌شوند. اتوبوس‌های مترو ایران‌خودرو نیز از مدت‌ها پیش برداشته شده‌اند. کسی پیگیر آن هم نیست. واقعاً برای خانم‌ها سوار شدن به خودروهای عبوری بسیار سخت و خطرناک است. اگر هم بخواهند از مترو استفاده کنند، باید از چیتگر تا مترو ایران‌خودرو را پیاده طی کنند که خودش دردسرهای دیگری دارد. استفاده از آژانس و خودروهای دربستی برای کارمندان به صرفه نیست.

سیما نوابی
ساکن شهرک چیتگر شمالی

تاریکی معابر «نگین غرب»

منطقه ۲۲

مدت زمان زیادی از ساخت شهرک نگین غرب در منطقه ۲۲ نمی‌گذرد اما ساکنان در این مدت با مشکلات زیادی در زمینه آب و برق مواجه بوده‌اند. در این میان مهم‌ترین مشکل ساکنان، تاریکی معابر است. چراکه در برخی از معابر تیر چراغی وجود ندارد و برخی از خیابان‌ها هم با داشتن تیر برق در خاموشی به سر می‌برند. با توجه به اینکه این شهرک در بین بزرگراه‌های حکیم و شهید اردستانی واقع شده و تردد در آن بسیار است، از مسئولان درخواست می‌شود به موضوع روشنایی معابر این شهرک رسیدگی کنند تا شاهد حادثه‌ای نباشیم.

ستاره سلطانی_ ساکن خیابان پدیدار